

Quarterly Journal of Fiscal and Economic Policies

Spring 2023, Vol. 11, No. 41, PP. 197-242

Presenting the risk-based supervision model on banks and credit institution by using grounded theory

Seyad Mostafa Mosavi Ivanaki

PhD student in International Finance, Department of Financial Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Mirfeiz Fallah Shams*

Associate Professor, Department of Financial Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Farhad Hanifi

Assistant Professor, Department of Financial Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received: 19/02/2023

Accepted: 10/05/2023

Abstract:

The aim of this research is to present a risk- based supervision model by the bank and credit institution supervisor. The statistical population includes all experts in the banking industry and our sampling method is a theoretical and targeted one(snow ball).For this purpose ten experts-experts and senior managers of the banking sector (central bank and banking network) and university professors- are selected and interviewed. Propositions and conceptual relationships of the phenomena that makeup the model are introduced, based on the grounded theory, after collection of organized data and inductive analysis of concepts derived from interviews, through open cooling, axial coding and selective coding of categories. In addition, after reviewing the theoretical foundations and experiences of other countries, some effective components are included in the model. The results of the research represent 35 dimensions. Findings show that the lack of a clear definition of the supervision concept and its goals has caused stakeholders and actors to face different expectations of the concept of performance and the outcome of regulatory system. This issue leads to an inconsistency between the supervised organization, supervisory institution and decision-making authorities Also, the inadequacy of the monitoring in current situation, due to the retrospective nature of the existing monitoring framework, has placed satisfaction with the output of the current monitoring framework at a low level. Relying solely on the approach of comparative supervision and not paying attention to future risks and future forecasting, as well as the lack of a proper process and structure in applying supervision show the necessity of the risk-based supervision. JEL Classification: C54, E52, E58

Keywords: Supervisory institution, Risk Based supervision, Open coding, Axial coding, Selective coding.

* Corresponding Author, Email: fallahshams@gmail.com

ارائه الگوی نظارت مبتنی بر ریسک بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری با استفاده از نظریه داده بنیاد

سید مصطفی موسوی ایوانگی

دانشجوی دکتری گروه مدیریت مالی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

mmousavi99@yahoo.com

میرفیض فلاخ شمس

دانشیار گروه مدیریت مالی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

fallahshams@gmail.com

فرهاد حنیفی

استادیار گروه مدیریت بازرگانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Hanifi_farhad@yahoo.com

هدف این تحقیق، ارائه مدل نظارت مبتنی بر ریسک توسط نهاد ناظر بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری است. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه متخخصان و صاحب‌نظران حوزه بانکداری بوده و نمونه‌گیری در این تحقیق نیز از نوع نمونه‌گیری نظری و هدفمند (گلوله برفی) است. برای این منظور با استفاده از روش نظریه‌پردازی داده بنیاد از طریق مصاحبه حضوری، ده نفر از خبرگان، صاحب‌نظران و مدیران ارشد حوزه بانکی (بانک مرکزی و شبکه بانکی) و اساتید دانشگاه انتخاب و با ایشان مصاحبه شد، بر اساس نظریه کیفی داده بنیاد پس از گردآوری سازمان یافته داده‌ها و تحلیل استقرایی مفاهیم استخراج شده حاصل از مصاحبه‌ها، از طریق کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی، مقوله‌ها و گزاردها معرفی و روابط مفهومی پدیده‌ها که مدل را تشکیل می‌دهند راهه شده است. نتایج حاصل از تحقیق ۳۵ بعد در قالب پنج مقوله به شرح ارائه شده در متن پژوهش است بر اساس نتایج تحقیق، فقدان تعریف مشخص از مفهوم نظارت و اهداف آن باعث شده است ذینفعان و کنشگران حوزه بانکداری، انتظارات متفاوتی از مفهوم و حدود عملکرد و به تبع آن خروجی سیستم نظارتی داشته باشند. این موضوع باعث ناهمانگی فی مابین سازمان نظارت شونده، نهاد ناظر و مراجع تصمیم‌گیری می‌شود. همچنین عدم کفایت وضعیت فعلی نظارت، بواسطه گذشته‌نگر بودن چارچوب نظارت موجود، رضایت از خروجی چارچوب فعلی نظارت را در سطح پایین قرار داده است؛ اتکا صرف به رویکرد نظارت تطبیقی و عدم توجه به مخاطرات آتی و پیش‌بینی آینده و نیز فقدان فرآیند و ساختار مناسب در اعمال نظارت، ضرورت نظارت مبتنی بر ریسک را ایجاب می‌کند. علاوه بر این کمبود و تخصیص نامناسب منابع بانکی و نیز تغییرات گسترده و پیچیدگی‌های محیط کسب و کار در صنعت بانکداری ضرورت استقرار مدل نظارت مبتنی بر ریسک را توجیه می‌کند.

طبقه‌بندی JEL: C54,E52,E58

واژگان کلیدی: نهاد ناظر، نظارت مبتنی بر ریسک، کدگذاری باز، کدگذاری محوری، کدگذاری انتخابی.

۱. مقدمه

بررسی روند سال‌های اخیر بازار پول کشورهای مختلف نشان‌دهنده این است که استفاده از ابزارهای مالی جدید و رشد روزافزون فن‌آوری توسط بانک‌ها منجر به ظهور اشکال مختلف ریسک شده است. بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به عنوان واسطه گر جووه، تجهیز منابع خود را از طریق سپرده‌پذیری انجام و با تخصیص آن به بنگاه‌های اقتصادی نقش مهم و حیاتی در اقتصاد هر کشور ایفا می‌کنند در این ارتباط بنگاه‌های فعال در بازار پول با رویکرد رقابتی و باهدف جذب حداکثر مشتریان (سپرده‌گذاران و متقاضیان استفاده از تسهیلات) ضمن توسعه فعالیت‌ها، وارد محیط‌های بی‌ثبات و همراه با خطر شده‌اند. علاوه بر این انگیزه زیاد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری جهت کسب سود و افزایش بازده حقوق صاحبان سهام و سپرده‌گذاران از یک سو و عدم تناسب و توازن زمانی بین سپرده‌های کوتاه‌مدت دریافتی و تسهیلات مدت‌دار بانک‌ها، همگون نبودن نرخ‌های سود پرداخت شده بابت سپرده‌های دریافتی و سود مکتبه بابت انواع تسهیلات اعطایی، فقدان تعریف و تحصیل در آمدهای پایدار و درنهایت تکانه‌های شدید اقتصادی از قبیل تغییرات نرخ ارز، بروز رکود اقتصادی و ناتوانی مشتریان بانک‌ها در ایفای تعهداتشان و تورم و سایر عوامل، باعث پذیرش ریسک از سوی بانک‌ها شده است. موارد فوق الذکر با درنظر گرفتن ماهیت و پیوستگی بنگاه‌های فعال در صنعت بانکداری از حیث بالا بودن ریسک سراست^۱ در این صنعت در مواردی باعث بروز بحران در نظام بانکداری و حتی بحران‌های اجتماعی می‌شود. بر این اساس باید پذیرفت بانک‌ها نسبت به سایر صنایع با ریسک‌های گسترده‌تری مواجه هستند. قرار گرفتن بانک‌ها در معرض انواع ریسک‌ها از جمله ریسک اعتباری^۲، نقدینگی^۳، عملیاتی، بازار و غیره تداوم فعالیت و حیات بانک‌ها را به مخاطره انداخته و بزرگ‌ترین سرمایه هر بانک و مؤسسه اعتباری که همانا حفظ اعتماد عمومی به شبکه بانکی است را مخدوش می‌نماید. با درنظر گرفتن

-
1. Contagion risk
 2. Credit risk
 3. Liquidity risk

موارد مذکور، نقش جایگاه نظارت توسط نهاد ناظر (بانک مرکزی) پیش از پیش نمایان می‌شود. چگونگی فرآیند نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری دربرگیرنده اهداف، فرآیندها، ریسک‌های مرتبط و نیز روش‌های متدالو نظارتی بر اساس توصیه‌های نهادهای مالی بین‌المللی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این ارتباط اگرچه در سال‌های اخیر اقداماتی از قبیل الزامات مربوط به کفایت سرمایه، استقرار نظام حاکمیت شرکتی^۱، ملاحظات مربوط به گزارشگری مالی و عملیاتی و سایر موارد از سوی نهاد ناظر بازار پول (بانک مرکزی) انجام شده است، لیکن سازوکارهای تعریف و اجرا شده از این حیث که عمدتاً گذشته‌نگر و با تأکید صرف بر رعایت و تطبيق فعالیت‌های بانک‌ها با احکام قانون و مقررات است کافی به مقصد نیست، این در حالی است که اقدامات نهاد ناظر در حدود تکالیف و اختیارات قانون می‌باشد با یک رویکرد آینده‌نگر مانع از تضییع حقوق ذینفعان از جمله سپرده‌گذاران، صاحبان سرمایه و سایر ذینفعان باشد. در این ارتباط استقرار یک الگوی نظارت مبتنی بر ریسک می‌تواند به ایجاد ثبات و سلامت نظام بانکی و افزایش ظرفیت پاسخگویی بنگاه‌های مالی فعال در بازار پول در قبال ذینفعان کمک شایانی نماید.

در مقاله پیش رو ضمن ارائه مختصری از مبانی نظری و ادبیات تحقیق در حوزه ریسک، نظارت و نظارت مبتنی بر ریسک با تأکید بر ریسک‌های پیش روی نظام بانکی و وضعیت فعلی نظارت در شبکه بانکی توسط نهاد ناظر به پیشینه تحقیقات در این حوزه پرداخته شده است. در ادامه روش‌شناسی پژوهش و چگونگی جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز و نیز تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نظریه داده بنیاد تشریح شده است. سپس ضمن ارائه مدل پیشنهادی استخراج شده از نظریه داده بنیاد، یافته‌های حاصل پس از مرور کامل مصاحبه‌های انجام شده تبیین شده و در پایان مطالب جمع‌بندی و نتیجه‌گیری شده است.

1. Corporate governance

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

اهداف تنظیم مقررات و نظارت

در متون اقتصادی اهداف متعددی برای نظارت و مقررات گذاری بر بازارهای مالی ذکر شده است. اهدافی همچون تقویت یکپارچگی بازارهای مالی، مقررات رقابتی (اصول مربوط به ادغامها و اقدامات ضدرقبتی)، مقررات احتیاطی (نظارت احتیاطی) و اما آنچه در بین اکثر متون مشترک است، چهار هدف عمده برای تنظیم و نظارت به شرح زیر است:

- ثبات اقتصاد کلان اولین هدف مقررات گذاری و نظارت بر بازارهای مالی است. محافظت از ثبات سیستم عبارت از کنترل‌های کلان بر رشد اقتصادی، تورم، نرخ ارز، نرخ‌های بهره، سیاست‌های تعرفه‌ای و نظام تجاری، سیاست‌های مالیاتی و نظام‌های پرداخت و تسویه است.
- هدف دوم مقررات گذاری و نظارت ثبات خرد در واسطه‌های مالی است. عوامل دستیابی به این هدف را می‌توان در دو دسته تقسیم‌بندی نمود: قواعد کلی مربوط به ثبات که بر همه نهادهای تجاری و کسب‌وکارها حاکم است و قواعد خاصی که با توجه به ماهیت فعالیت مالی تعیین می‌شوند. علاوه بر این کنترل‌های مربوط به ثبات خرد می‌توانند بر مبادلات مالی و نظام‌های تسويه‌ای نیز تمرکز کنند.
- شفافیت در عملکرد بازار و واسطه‌ها یعنی حمایت از سرمایه‌گذار سومین هدف مقررات گذاری و نظارت است. این هدف به هدف کلی عدالت در توزیع منابع مربوط می‌شود و ممکن است به صورت «عدالت در توزیع اطلاعات بین فعالان» نمود پیدا کند. قواعد شفافیت رفتار یکسانی را در سطح کلان وضع نموده و عدم تقارن اطلاعات را تصحیح می‌کند. چنین قواعدی در سطح خرد عدم تبعیض در روابط بین فعالان اقتصادی و مصرف کنندگان مختلف را تضمین می‌کند (قواعد انجام کسب‌وکار).
- چهارمین هدف مقررات گذاری و نظارت بر بازارهای مالی محافظت و حمایت از رقابت در بخش مالی است که با هدف کلی کارایی مرتبط است. تحقق این امر نیازمند قواعدی برای کنترل قدرت و ساختارهای بازار و در سطح خرد قواعد مرتبط با ادغام و مالکیت، کارتل‌ها و

سوءاستفاده از موقعیت برتر است. همچنین ممکن است در جهت محدود کردن بی ثباتی شدید ناشی از رقابت سنگین در این بازار مهم، کنترل‌های خاصی بر واسطه‌های مالی اعمال شود. (مصطفی پور، ۱۳۹۵)

ابعاد مقررات گذاری و نظارت بر بازارهای مالی

مقررات گذاری در اقتصاد به طور کلی در صدد اصلاح عملکردهای ناصحیح بازار و توزیع مناسب منابع است. این امر با استفاده از سه عامل شامل ثبات، توزیع بهینه منابع و کارایی محقق می‌شود. از آنجا که انباشت سرمایه و تخصیص منابع مالی لازمه رشد و توسعه اقتصادی است، مقررات گذاری و نظارت بر نظام مالی اهمیت ویژه‌ای دارد. نظارت بر فعالیت بازارهای مالی به‌طور مرسوم به سه طبقه کلی شامل «نظارت احتیاطی کلان»، «نظارت احتیاطی خرد» و «هدایت کسب و کار» تقسیم می‌شود. در ادامه، هر یک از این ابعاد مورد بررسی قرار گرفته و تجربیات اجرای آن‌ها در کشورهای منتخب ارائه می‌شوند. با توجه به ارتباط نزدیک بین نظارت احتیاطی خرد و نظارت احتیاطی کلان، در این قسمت دو مورد مذکور در قالب «نظارت احتیاطی» مورد بررسی قرار می‌گیرند. در این خصوص خاطرنشان می‌شود که ماهیت فعالیت‌های بازارهای مالی به گونه‌ای است که همه یا عمدۀ این فعالیت‌ها مبتنی بر ریسک هستند. «نظارت احتیاطی» بر بازارهای مالی به منظور کاهش زمینه بروز این ریسک‌ها صورت می‌گیرد.

پیش از وقوع بحران مالی اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۷ میلادی، نظارت احتیاطی در بازارهای مالی عمده‌تاً معطوف به «نظارت احتیاطی خرد» بود که بر سلامت عملکرد بنگاه‌های درون هر یک از بازارهای مالی به‌طور جداگانه تمرکز داشت. وقوع بحران مالی اقتصاد جهانی و سرایت بحران از یک بازار (بازار پول) به سایر بازارهای مالی نشان داد که تدبیر مربوط به نظارت احتیاطی خرد قادر به جلوگیری از بروز ریسک‌های سیستمی که ناشی از تحولات اقتصادی و یا فعالیت سایر بازارهای مالی هستند، نیست. لذا موضوع «نظارت احتیاطی کلان» مطرح شد و در ساختارهای نظارتی مورد توجه قرار گرفت. با این حال، نظارت احتیاطی خرد و نظارت احتیاطی کلان تا حد زیادی مکمل یکدیگر هستند به‌طوری که وجود نهادهای مالی قوی لازمه برخورداری از یک

سیستم مالی باثبات تلقی می‌شود و بر عکس برخورداری از سیستم مالی باثبات موجب تقویت نهادهای مالی خواهد شد. (ریچارد، ۲۰۰۸)

نظارت احتیاطی خرد

نظارت احتیاطی خرد با نظارت احتیاطی کلان ارتباط نزدیکی دارد، ولی بجای تمرکز بر توانگری مجموعه نظام مالی، بر توانگری نهادهای مجازی درون نظام مالی تمرکز دارد. از منظر نظارت خرد، ریسک به عنوان یک عامل بروزن لاحاظ می‌شود به عبارتی هر شوک احتمالی منتج به بحران مالی، منشأ بیرونی دارد که هیچ ربطی به رفتار نظام مالی ندارد. در این شرایط بررسی ترازنامه مؤسسات مالی برای برآورد ریسک آن‌ها به عنوان یک اقدام نظارت خرد، ضرورت دارد. در واقع نظارت احتیاطی خرد امنیت و سلامت مؤسسات مالی را به صورت منفرد مد نظر قرار می‌دهد.

نظارت احتیاطی خرد مجموعه اصول و مقرراتی است که برای سلامت و ایمنی عملکرد انفرادی هر یک از بنگاههای مالی درون یک بازار به طور مجزا از سایر بنگاههای مالی بکار گرفته می‌شود. لذا از این منظر هر یک از بازارهای پول، سرمایه و بیمه اصول و مقررات داخلی جداگانه‌ای دارند که هدف آن تضمین صحت و ایمنی عملکرد انفرادی هر یک از مؤسسات درون بازار مالی است. به عنوان مثال مقررات نظارت احتیاطی خرد در بازار پول بر خطر ورشکستگی یک بانک تمرکز دارد. در حالی که نظارت و پایش خطرات فروپاشی نظام بانکی موضوع نظارت احتیاطی کلان در بازار پول است. به طور معمول در سطح بین‌المللی نهاد مقررات گذار مرتبط با هر یک از بازارهای مالی اصول و استانداردهایی را برای نظارت و مقررات گذاری معرفی می‌کند. در سطح ملی نهادهای ناظر و مقررات گذار تلاش می‌کنند که با توجه به شرایط داخلی خود این استانداردها را پیاده کنند.

جدول ۱. چارچوب‌های نظارت و مقررات‌گذاری احتیاطی خرد در کشورهای منتخب

اختیارات	وظایف	ساختار مدیریتی	
<p>تدوین استانداردها یا سیاست‌ها برای مؤسسات تحت نظارت کمک به نهادهای تحت نظارت برای تشخیص، تحلیل و مدیریت ریسک ارزیابی ریسک در مؤسسات تهییه گزارش توسط ناظران</p>	<p>مسئول مقررات‌گذاری و نظارت بر بانک‌ها، شرکت‌های ساختمانی، مؤسسات اعتباری، بیمه‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری با هدف تقویت اینمنی و سلامت نهادهای مالی</p>	<p>ساختار نظارت مالی انگلستان از آوریل سال ۲۰۱۳ میلادی از یکپارچه به دوقلهای تغییر کرد و نظارت احتیاطی خرد و کلان هر دو به بانک انگلستان سپرده شد.</p> <p>رئیس بانک انگلستان، رئیس PRA است.</p> <p>رئیس PRA دارای ۱۱ هیئت‌مدیره عضو است.</p>	<p>انگلستان نهاد مقررات احتیاطی^۱(PRA)</p>
<p>رسیدگی به مشکلات بانکی، نظارت و مقررات‌گذاری بر مؤسسات بانکی و حمایت از حقوق اعتباری مشتریان از جمله وظایف فدرال رزرو در حوزه نظارت احتیاطی خرد است.</p> <p>وظایف اصلی OCC شامل تضمین و تأمین اینمنی و سلامت سیستم بانکی ملی و اتحادیه‌های پس انداز فدرالی، تشویق به رقابت با اجازه به بانک‌ها برای ارائه محصولات و خدمات جدید، بهبود بهره‌وری و اثربخشی نظارت این دفتر بهخصوص در جهت کاهش بار نظارتی، اجرای قوانین ضد پولشویی و ضد تأمین مالی ترویسم است.</p> <p>حمایت از سرمایه‌گذاران، حفظ بازارها به صورت عدالانه، منظم و کارآمد و تسهیل تشکیل سرمایه سه وظیفه اصلی کمیسیون بورس اوراق بهادار هستند.</p> <p>وظایف کمیسیون معاملات آتی شامل حصول اطمینان از مطابقت بازارهای آتی بهوسیله تشویق آن‌ها به رقابت و کارآمدی،</p>	<p>در آمریکا نظارت و مقررات‌گذاری بانکی بر عهده دفتر رزرو است.</p> <p>دفتر حسابرسی پولی (OCC) بر تمامی بانک‌های ملی و مؤسسات بانکی تعاضی و شعب مرکزی بانک‌های خارجی در آمریکا مقررات‌گذاری و نظارت می‌کند و مبارزه با پولشویی را نیز بر عهده دارد.</p> <p>مقررات‌گذاری، صدور حکم و نظارت بر اتحادیه‌های اعتباری فدرالی توسط اداره اتحادیه اعتمادی ملی انجام می‌شود.</p>	<p>آمریکا فدرال رزرو دفتر حسابرسی پولی^۲ (OCC) اداره اتحادیه اعتباری ملی^۳ شرکت بیمه فدرال^۴ کمیسیون بورس^۵ و اوراق بهادار^۶ کمیسیون معاملات آتی^۷ کالا^۸</p>	

1. Prudential Regulation Authority (PRA)
2. Office of the Comptroller of the Currency(OCC)
3. National Credit Union Administration (NCUA)
4. Federal Deposit Insurance Corporation (FDIC)
5. Securities & Exchange Commission (SEC)
6. Commodity Futures Trading Commission (CFTC)

اختیارات	وظایف	ساختار مدیریتی	
حصول اطمینان از یکپارچگی بازارهای آتی، محافظت شرکت-کنندگان در بازار در برابر دستکاری و تقلب، سوءاستفاده از روش‌های تجارتی و کلاهبرداری و حصول اطمینان از ثبات و یکپارچگی مالی در روند تسویه و نقل و انتقالات بانکی است. وظیفه دفتر تحقیقات مالی مدیریت داده‌ها و اطلاعات در صنعت مالی است.	شرکت بیمه سپرده فدرال جهت امنیت و سلامت برخی مؤسسات مالی اقدام به بررسی و نظارت می‌نماید. صدور قوانین مربوط به اوراق بهادر و مقررات گذاری بر آن‌ها، مبادلات سهام و سایر فعالیتها و سازمان‌های مرتبط با کمیسیون بورس اوراق بهادر است.	سازمان مقررات گذاری صنعت مالی ^۱ دفتر تحقیقات مالی ^۲	
برنامه‌ریزی سیاستی در سیستم مالی و اجرای آن تضمین ثبات سیستم مالی؛ حمایت از سپرده‌گذاران، بیمه‌گذاران و سرمایه‌گذاران اوراق بهادر و تسهیل تأمین سرمایه در خواست گزارش و دستورات اجرایی برای مؤسسات مالی در گیر ریسک اعتبار، ریسک بازار و ریسک نقدینگی FSA می‌تواند در خصوص مؤسسات دارای مشکل دستوراتی اجرایی صادر کند.	نظرارت بر بانک‌ها، بیمه‌ها و بورس (بانک ژاپن نیز از طریق قراردادهای خصوصی خود با سپرده‌گذاران نقش نظارتی خود را ایفاء می‌کند). مسئولیت مبارزه با پولشویی با مرکز اطلاعات مالی ژاپن (JFIC) FSA زیرمجموعه‌های FSA محسوب می‌شود.	نهاد مستقل زیرمجموعه کابینه وزارت دارایی (از طریق شورای مدیریت بحران) و بانک مرکزی (از طریق قراردادهای خصوصی با سپرده‌گذاران) در کنار FSA دارای نقش نظارتی هستند.	ژاپن آژانس نظارت مالی ^۳ (FSA)

مأخذ: گروه ۳۰ (۲۰۰۸)^۵

1. Financial Industry Regulatory Authority (FINRA)
2. Office of Financial Research
3. Financial Supervisory Agency (FSA)
4. Japan Financial Intelligence Center
5. Group of Thirty, (2008) The structure of Financial Supervision, and <http://www.bankofengland.co.uk>.

نظارت احتیاطی کلان

حصول اطمینان از سلامت کل مجموعه نظام مالی از مهم‌ترین هدف نظارت احتیاطی کلان است. از منظر نظارت کلان، عوامل ریسک می‌توانند به عنوان یک پدیده سیستمی به صورت درون‌زا شکل بگیرند. در این صورت، نظارت کلان بر ارتباط بین نهادهای مالی منفرد و بازارها و واکنش مشترک آن‌ها به عوامل ریسک اقتصادی تأکید دارد. به عبارت دیگر مقررات احتیاطی کلان برای حذف ریسک‌های سیستمی مالی و ارتقاء ثبات مالی سیستمی است. ریسک سیستمی به معنای احتمال سقوط ناگهانی در کل سیستم مالی است. این ریسک می‌تواند منجر به بی‌ثباتی و یا آشوب در بازارهای مالی گردد. موضوع مهم دیگر در بحث ریسک سیستمی، سرایت ریسک است که به معنای احتمال گسترش تغییرات مهم اقتصادی و مالی از یک کشور به یک کشور دیگر است.

نمونه‌ای از ریسک‌های سیستمی عبارتند از:

- ریسک‌های مرتبط با ویژگی ساختاری بازار مالی مانند ارتباط بین مؤسسات
- ریسک‌های مرتبط با توزیع ریسک در بخش مالی
- سطوح غیرقابل تداوم افزایش تأمین مالی یا اعتبار از طریق دریافت وام

نظارت احتیاطی تا قبل از بروز بحران مالی اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۷ میلادی عمدتاً بر سلامت مؤسسات مالی به‌طور مجزا یا همان نظارت احتیاطی خرد معطوف بود و کمتر به خطراتی که کلیت یک بازار مالی را تهدید می‌کنند، توجه داشت. بحران مالی اقتصاد جهانی سال ۲۰۰۷ میلادی نشان داد که صرف نظارت احتیاطی بر بنگاه‌های درون یک بازار همه ریسک‌های موجود در آن بازار را پوشش نمی‌دهد و این خطر وجود دارد که یک بازار مالی با مشکلات و چالش‌هایی روبرو شود که از بازار مالی دیگر نشأت گرفته و یا اینکه ممکن است نابسامانی‌هایی در کل اقتصاد به وجود بیاید و یک یا همه بازارهای مالی را متأثر کند. لذا موضوع نظارت احتیاطی کلان در کنار نظارت احتیاطی خرد اهمیت پیدا کرد. هدف از نظارت احتیاطی در سطح کلان، کنترل تنש‌هایی است که می‌تواند کل بیکره اقتصاد و بهویژه بخش مالی آن را به مخاطره بیندازد و ثبات مالی را محدودش سازد.

یکی از ویژگی‌های نظارت احتیاطی کلان در نظر گرفتن ریسک‌های گوناگون در بازارهای مالی است. در نظارت احتیاطی کلان برخلاف نظارت احتیاطی خرد فقط به ریسک‌های خاص یک بازار توجه نمی‌شود و ریسک‌های حقیقی اقتصاد و ریسک‌های سایر بازارهای مالی نیز مورد توجه قرار می‌گیرند. در این نوع نظارت، به این واقعیت توجه می‌شود که در طول زمان بازارهای خدمات مالی (بورس، بانک و بیمه) با یکدیگر و با اقتصاد حقیقی ارتباط دارند و بر یکدیگر اثر می‌گذارند و در عین حال از یکدیگر اثر می‌پذیرند و علاوه بر این، از اقتصاد حقیقی نیز اثر می‌پذیرند و بر آن اثر می‌گذارند. لذا ریسک‌های اقتصاد واقعی بر اقتصاد مالی و بالعکس در این نوع نظارت مورد توجه قرار می‌گیرد.

نوع دوم ریسک که در نظارت احتیاطی کلان مورد توجه قرار می‌گیرد ریسک میان‌بخشی است. این ریسک برخلاف نوع اول ریسک، داخل نظام مالی است نه بین نظام مالی و اقتصاد حقیقی. این ریسک خود به سه دسته تقسیم می‌شود. دسته اول عبارت است از ریسک‌های تجمیعی که منظور از آن ریسک‌هایی است که از عملکرد دسته جمعی بخش‌های مختلف نظام مالی ایجاد می‌شود. مثلاً در بحران مالی سال ۲۰۰۷ میلادی بانک‌ها اقدام به اعطای وام‌های مسکن به کسانی می‌کردند که توانایی بازپرداخت آن را نداشتند. سپس این وام‌ها تبدیل به اوراق بهادر می‌شدند و مؤسسات رتبه‌بندی نیز آن اوراق را رتبه‌بندی می‌کردند و به سرمایه‌گذاران اطمینان می‌دادند آن اوراق، اوراق بهادر مطمئنی هستند و سوددهی خوبی خواهند داشت. در حالی که مشخص شد اوراق بهادر مزبور از سوددهی مورد انتظار برخوردار نیستند و در نهایت کل نظام مالی از این واقعیت صدمه دید. بحرانی که بدین ترتیب به وجود آمد، نتیجه عملکرد نادرست یک یا چند بانک نبود، بلکه به طور معمول عملکرد نادرست بانک‌ها، مؤسسات فعال در زمینه اوراق بهادر و مؤسسات رتبه‌بندی اوراق بهادر بود. به عبارت دیگر ریسکی که از عملکرد مجموعه این نهادها پدید آمده بود، موجب شکل‌گیری بحران شد. این نوع ریسک‌ها موضوع نظارت احتیاطی خرد نبوده و در نظارت احتیاطی کلان مورد توجه واقع می‌شوند.

ریسک دیگر، ریسک شکست جمعی است. مقصود از شکست جمعی این است که به دلیل ارتباط متقابلی که بانک‌ها و بورس و بیمه با یکدیگر دارند، ورشکستگی و بحران مالی در یکی از آن‌ها ممکن است به دیگران نیز سرایت کند و آن‌ها را دچار مشکل سازد. این نوع ریسک نیز در نظارت‌های خرد و بخشی مورد توجه قرار نمی‌گرفت اما در نظارت احتیاطی کلان مورد توجه قرار می‌گیرد. آخرین ریسک عبارت است از ریسک کارکرد سیستمی؛ این نوع ریسک نیز به یک بانک یا مؤسسه اعتباری خاص محدود نمی‌شود و در بعد کلان وجود دارد. این ریسک هنگامی به وجود می‌آید که یک بانک یا مؤسسه اعتباری ورشکست می‌شود اما نقش آن در سیستم مالی آنقدر منحصر به فرد است که بانک یا مؤسسه اعتباری دیگری نمی‌تواند جای آن را در سیستم بانکی بگیرد. در چنین حالتی با ورشکستگی آن بانک کل سیستم بانکی دچار مشکل خواهد شد. بدیهی است در اینجا نیز ورشکستگی آن بانک یا مؤسسه مالی یک مسئله است و اثر آن بر سیستم یا نظام مالی مسئله‌ای دیگر. (مصطفی پور، ۱۳۹۵)

جدول ۲. چارچوب‌های نظارت و مقررات‌گذاری احتیاطی کلان در کشورهای منتخب

اختیارات	وظایف	ساختار مدیریتی	
اختیارات راهبردی در خصوص اهرم‌های سرمایه خلاف سیکل تجاری و الزامات سرمایه بخشی قبول یا تفسیر پیشنهادهای مقررات‌گذاران احتیاطی و هدایت بازار توصیه به سایر نهادهای مرتبط ابزارهایی که مؤسسات مالی نمی‌توانند به طور منفرد بکار گیرند	حمایت و تقویت انعطاف‌پذیری نظام مالی انگلستان حمایت از اهداف اقتصادی دولت شامل رشد و اشتغال منع اتخاذ اقدامات محتل‌کننده رشد میان‌مدت و بلندمدت	رئیس: رئیس بانک انگلستان ۱۰ عضو دارای حق رأی (۵ نفر از بانک انگلستان شامل رئیس مقررات احتیاطی، رئیس مقررات هدایت بازار، ۴ عضو دیگر خارج از بانک)، نماینده بدون رأی از خزانه‌داری جلسات فصلی	انگلستان کمیته سیاست مالی (FPC) ^۱

1 - Financial policy Committee (FPC)

ادامه جدول ۲. چارچوب‌های نظارت و مقررات‌گذاری احتیاطی کلان در کشورهای منتخب

اختیارات	وظایف	ساختار مدیریتی	
توصیه به مقامات نظارتی برای بسط استانداردهای احتیاطی تعیین فعالیتهای دارای اهمیت سیستمی نهادهای مالی غیربانکی و بازار مالی گزارش خلاصهای مقرراتی به کنگره	تشخیص و واکنش به عوامل تهدیدکننده ثبات مالی گسترش نظم و انضباط بازار، حذف عوامل تشدیدکننده انتظارات	رئیس: رئیس خزانه‌داری ۱۰ عضو دارای حق رأی و ۵ عضو فاقد حق رأی از فدرال رزرو و نهادهای نظارتی حداقل یک جلسه در هر فصل	آمریکا شورای نظارت بر ثبات مالی (FSOC ^۱)
تعریف نشده	تعریف نشده	ساختار مشخص و منسجمی برای نظارت احتیاطی کلان ندارد و وزارت دارایی و بانک مرکزی برای پیشگیری از ریسک سیستمی با یکدیگر همکاری دارد.	ژاپن

منبع: Aikman,Haldane and Kapadia,(2013)

هدایت کسب و کار

مقررات مربوط به هدایت کسب و کار نیز بر حمایت از مشتریان توجه دارد، اما بجای تمرکز بر حمایت از فعالان بازار در مقابل نهادهای مالی، بر محافظت از فعالان اقتصادی در مقابل اقدامات غیرمنصفانه تأکید می‌کند. نهادهای ناظر بر بازارهای مالی فعالان این بازارها را ملزم به رعایت استانداردهای رفتار اداری و درون‌سازمانی جهت حفظ منافع مشتریان و بهبود کیفیت و کمیت اطلاعات برای عموم می‌نمایند. این حمایت‌ها شامل رصد تضاد منافع احتمالی بین یک نهاد مالی و کارگزاران آن می‌شود. همچنین الزامات افشاء، موضوعات مربوط به رقابت و قواعد صدپوشی از موضوعات نظارتی مربوط به هدایت کسب و کار در بازارهای مالی می‌باشند.

1. Financial Stability Oversight Council (FSOC)

خرید یا استفاده از خدمات مالی کاملاً با خرید کالاهای مصرفی متفاوت است و مشتری نمی‌تواند به سرعت از کیفیت خدمات دریافتی اطلاع حاصل کند و یا ارائه‌دهنده خدمت مورد نظر را عوض کند. خدمات مالی از قبیل وام‌های رهنی، بیمه‌های عمر و مستمری عموماً ماهیت بلندمدت دارند و بعضاً برای کل دوره زندگی فرد ارائه می‌شوند. ممکن است سال‌ها طول بکشد تا یک مشتری متوجه شود که خدمت مالی که دریافت می‌کرده دچار مشکل است. انتخاب اشتباہ و نامناسب بیمه مستمری و یا وام رهنی می‌تواند نتایج فاجعه‌باری را در پی داشته باشد و منجر به گرفتاری در زمان پیری و یا بی‌خانمانی شود. با توجه به اینکه معمولاً خرید خدمت مالی به گونه‌ای نیست که استفاده کننده مدام در حال خرید و استفاده از آن باشد و در طول زندگی آن‌ها چند بار بیشتر اتفاق نمی‌افتد، دانش استفاده کننده از خدمت مالی با دانش و اطلاعات ارائه‌دهنده آن قابل مقایسه نیست. این امکان وجود دارد که به دلیل عدم تقارن در اطلاعات و فرصت‌ها بین فروشنده و خریدار خدمات مالی (به نفع فروشنده)، فروشنده خدمت مالی خریدار را فریب دهد و خریدار تصمیمی بگیرد که تنها به نفع فروشنده باشد. تضاد منافع و سوءاستفاده از اطلاعات نامتقارن شامل دریافت حق کمیسیون اضافه و سایر اضافه دریافتی‌ها و سوق دادن مشتری به انتخاب یک محصول بدون توجه به مناسب بودن یا نبودن آن نیز می‌شود. لذا لازم است که مقرراتی برای جلوگیری از این سوءاستفاده‌ها و زیان دیدن مشتریان تدوین و اعمال شود. از این‌رو، تمرکز بعد نظارتی هدایت کسب و کار در بازارهای مالی بر این است که با تعیین مقررات مناسب و پایش رفتار نهادهای مالی با مشتریان، مانع آسیب دیدن مشتریان و اختلال در عملکرد بازارها شود.

نظارت احتیاطی و سیاست‌های اقتصادی

لازم حفظ ثبات مالی این است که نهاد احتیاطی کلان و ابزارهای مورد استفاده واقع‌بینانه عمل کنند. یک چارچوب مناسب باید فعل و انفعالات بین نظام مالی و اقتصاد واقعی را در نظر داشته باشد. بدین طریق می‌توان اطمینان داشت که ابزارهای خلاف چرخه تجاری طی دوره بحران مؤثر عمل نموده و مانع شکل‌گیری عدم تعادل‌های مالی می‌شوند. دستیابی به این اهداف نیازمند آن

است که سیاست احتیاطی کلان در کنار سیاست احتیاطی خرد، سیاست پولی، سیاست ارزی و سیاست مالی یکدیگر را تکمیل نمایند.

تأثیرگذاری سیاست احتیاطی کلان هنگامی قوی تر خواهد بود که سیاست‌های احتیاطی خرد برای محدود کردن نابسامانی در مؤسسات مالی مجزا اعمال شوند. سیاست پولی با کاهش احتمال شکل‌گیری دوره‌های رونق-رکود در بازارهای اعتبار و سرمایه و در نتیجه کمک به ثبات قیمت‌ها، فضای مناسبی را برای ثبات مالی ایجاد می‌کند. بانک مرکزی طی دوره رکود می‌تواند با اتخاذ تدبیری از قبیل کاهش نرخ‌های سیاستی و الزامات ذخیره‌ای به فراهم کردن نقدینگی و تسهیل پولی عملکرد بازارها و ارائه اعتبار را تنظیم کند. همچنین بانک مرکزی باید این آمادگی را داشته باشد که هنگام بازیابی اقتصاد و ثبات سیستم مالی نقش کمتری ایفاء کند. عدم خروج بانک مرکزی در زمان رونق می‌تواند موجب شکل‌گیری تورم و نوسان شدید در نرخ‌های بهره شود. سیاست‌های ارزی می‌تواند با هدف ثبات نرخ ارز و کاهش عدم تعادل‌های پولی¹ نوسانات جریان سرمایه را به عنوان یک منبع مهم ریسک ثبات مالی، بهویژه در کشورهای نوظهور، کاهش دهد. سیاست مالی نقش مهمی را در کنترل تقاضای کل ایفاء می‌کند. نسبت بالای بدھی به GDP و کسری بودجه قابل توجه می‌تواند دامنه اقدامات دولت را بهویژه در هنگام رکود محدود نموده و عدم ثبات مالی را تشدید کنند.

نهایتاً اینکه دولت برای فراهم کردن زمینه ثبات مالی باید در عوض سطح فعلی رشد اقتصادی، به رشد بلندمدت توجه داشته باشد. اهداف دولت در اغلب موارد توسط سیاست‌هایی پیگیری می‌شوند که به مؤسسات مالی اجازه داده می‌شود وارد فعالیت‌های دارای ریسک بالاتر و رقابت شدیدتر شوند. این امر موجب گسترش اعتبارات و کاهش ریسک می‌شود. در عین حال، اگر دولت سیاست‌های درستی اتخاذ نکند چنین شرایطی می‌تواند موجب شکل‌گیری عدم تعادل‌ها و تضعیف استانداردهای قرض‌دهی شوند. لذا نحوه ورود دولت در بازار با توجه به شرایط اقتصادی موجود از اهمیت زیادی برخوردار است.

1. currency mismatches

باید این نکته را در نظر داشت که نظارت و رقابت ممکن است ذاتاً در تعارض با یکدیگر قرار داشته باشند. نظارت به مداخله در سیستم بازار منتهی می‌گردد و رقابت به بستری باز برای آزادی عمل نیازمند است. ممکن است تصور گردد که به نحوی این دو می‌توانند در کنار یکدیگر قرار گیرند و تعارضی بین آن‌ها وجود ندارد. اما موضوع در یک مفهوم کلی به میزان دخالت دولت یا نهادهای نماینده وی در بازار مربوط می‌گردد. دولت یا در بازار جهت اعمال نظارت مداخله می‌کند یا مداخله نکرده و بازار را به رقابت می‌سپارد. از این رو، درجه‌ای از دخالت دولت در بازار وجود دارد. در اینجا دخالت در مقابل رقابت در یک مفهوم کلی قرار داده شده است و رقابت در قیاس با انحصار قرار نگرفته است.

سؤال اصلی و مهمی که در این رابطه پس از طرح میزان بهینه دخالت دولت در بازار مطرح می‌شود این است که در چرخه‌های مختلف اقتصادی (رونق و رکود) چگونه باید نظارت صورت گیرد؟ مرز دخالت و نظارت کجاست؟ از ابزارها و متغیرهای نظارت به چه نحوی و چگونه استفاده شود؟

جدول ۳. چارچوب نظارت در چرخه‌های مختلف اقتصادی (رونق و رکود)

اقدامات احتیاطی کلان	اقدامات احتیاطی خرد	چرخه تجاری
ارائه علل ریسک سیستمی، تنظیم عدم تعادل‌های شدید و یا تقویت انعطاف- پذیری سیستم مالی افزایش ذخایر جبرانی نقدینگی	عدم نیاز به مداخله (بانک‌ها سودآوری بالا دارند و می‌توانند سرمایه و نقدینگی را تنظیم کنند). مداخله در استانداردهای پذیره‌نویسی جهت بررسی جزئیات بیشتر می‌تواند مناسب باشد.	رونق رشد قیمت دارایی‌ها، اعتبارات زیاد، ریسک بالاتر (اما محدودشده)، بازدهی بالا، خوشبینی بیش از حد، استانداردهای ضمانتی پایین و اهرم‌بندی بسیار زیاد
مانع特 جدی از کاهش اهرم‌بندی مجوز ایجاد ذخایر جبرانی نقدینگی و سرمایه	حفظ ثبات مؤسسات مالی تثبیت (یا افزایش انتخابی) نسبت‌های نقدینگی و سرمایه، محدودیت بر تقسیم سود و بررسی دقیق تر	رکود نوع ۱ (بدون بحران) کاهش در رشد اعتبارات، کاهش یا ثبات در قیمت دارایی‌ها، بازدهی پایین‌تر و عدم کاهش اعتماد

ادامه جدول ۳. چارچوب نظارت در چرخه‌های مختلف اقتصادی (رونق و رکود)

اقدامات احتیاطی کلان	اقدامات احتیاطی خرد	چرخه تجاری
ایجاد مجدد اعتماد در سیستم مالی و جلوگیری از کاهش اهرم‌بندی کاهش ذخایر نقدینگی و سرمایه - در صورتی که کافی به نظر بیایند- یا افزایش آن‌ها در صورت عدم اعتماد	ایجاد مجدد اعتماد در مؤسسه‌ای افزایش نسبت‌های نقدینگی و سرمایه و بررسی دقیقت و تحمل بیشتر	رکود نوع ۲ (زمان بحران) کاهش در اهرم‌بندی، افت قابل توجه در قیمت دارایی‌ها به علت حراج آن‌ها، زیان‌های بزرگ مالی و کاهش اعتماد
عدم نیاز به مداخله	حمایت از نسبت‌های نقدینگی و سرمایه که در طول بحران بازسازی شده‌اند و در صورت نیاز افزایش آن‌ها	بازگشت اهرم‌بندی مجدد آگاهانه، رشد متواتر در قیمت دارایی‌ها و اعتبارات

منبع: Osinski, Seal and Hoogduin, (2013)

مدل‌های تنظیم و نظارت در بازارهای مالی

نگاهی اجمالی به تجربیات بین‌المللی نشان‌دهنده گستره وسیعی از ساختارهای نهادی است. برخی از کشورها سازمان واحدی برای نظارت احتیاطی تأسیس نموده‌اند در حالی که برخی دیگر، نهادهای نظارتی تخصصی مختلف را برای سیستم نظارتی و تنظیمی بازارهای مالی برگزیده‌اند. عواملی همچون تکامل تاریخی، ساختار نظام مالی، ساختار سیاسی و سنتی، اندازه کشور و بخش مالی موجب اتخاذ مدل‌های مختلف در نظام نظارتی کشورها شده است. در زیر به ۴ مدل اصلی نظارت و تنظیم نظام مالی که توسط کشورهای مختلف به اجرا درآمده است اشاره می‌شود:

- مدل نهادی^۱ (معروف به مدل سیلو^۲ یا عمودی)
- مدل متحد یا یکپارچه^۳
- مدل قله‌های دوقلو^۴ یا مدل افقی
- مدل دورگه یا مبتنی بر وظیفه^۱

-
1. Institutional Model or Approach
 2. Silo
 3. Unified Model
 - 4 -Twin Peaks

مدل نهادی (مدل سیلو یا عمودی)

مدل نهادی یکی از اشکال کلاسیک تنظیم و نظارت مالی است. این مدل رویکردی بر مبنای نهادهای قانونی دارد. در این مدل، وضعیت قانونی یک سازمان تعیین کننده این است که کدام یک از تنظیم‌گران موظف به نظارت هم برایمنی و صحت شرکت و هم بر انجام کسب‌وکار آن است (به عنوان مثال، سازمانی که به عنوان بانک، یا یک شرکت کارگزاری و یا یک شرکت بیمه ثبت شده است، از سوی نهادهای قانونی مرتبط تنظیم و نظارت می‌شود). این وضعیت قانونی تعیین کننده حیطه مجاز فعالیت سازمان نیز است. هنگامی که سازمان قصد توسعه فعالیت خود در حوزه‌های دیگر را دارد، با ورود به حوزه‌ای که عامل ناظر متفاوت است، توسط آن تنظیم‌گر نیز مورد نظارت قرار خواهد گرفت.

مدل متحد یا یکپارچه^۲

این مدل که پیش از بحران مالی اخیر مورد توجه بسیاری از کشورها (بخصوص انگلیس) قرار گرفته بود، بر تحت نظارت قرار گرفتن تمام حوزه‌های مالی، ذیل یک نهاد واحد تأکید می‌ورزد. این نهاد ناظر هم نظارت احتیاطی بر شرکت‌ها را انجام می‌دهد و هم بر رویه‌های اجرایی کسب‌وکار نظارت می‌نماید.

مدل قله‌های دوقلو یا افقی

این مدل برای بهره‌گیری از تمام مزایا و کارایی‌های مدل متحد طراحی گردیده است و در عین حال تضاد ذاتی قوانین و مقررات مرتبط با صحت و ایمنی مؤسسه، حمایت از سرمایه‌گذاران و شفافیت را مدنظر قرار می‌دهد. این مدل را رهیافت «تنظیم بر اساس اهداف عینی» نیز نامیده‌اند. اهداف نظارتی یک سازمان می‌تواند نظارت احتیاطی با هدف ابتدایی ایمنی و صحت مؤسسات باشد، در حالی که سازمان دیگری ممکن است در ابتدا بر انجام کسب‌وکار و حمایت از

1. Hybrid or Functional

۲. در متون انگلیسی از دو واژه متحد (Unified) و یکپارچه (Integrated) برای این مدل استفاده شده است.

سرمایه‌گذاران متمن کر باشد. این مدل، مرز بین نظارت‌های احتیاطی را از رویکرد مشتری مداری مجزا می‌سازد. در این مدل، به منظور عدم بروز تضاد منافع بین اهداف ابتدایی که در بالا ذکر گردید، دو نهاد نظارتی مجزا مشخص می‌گردند. نهادی که نظارت احتیاطی انجام می‌دهد و نهادی که بر رویه‌های اجرایی کسب و کار نظارت می‌نماید. بدین ترتیب می‌توان اطمینان حاصل کرد که تمام اهدافی که در ابتدای بحث به آن‌ها اشاره شد در اولویت کاری دو نهاد ناظر قرار خواهد گرفت. علاوه بر این، هریک از نهادهای ناظر قادر خواهد بود تا نیروهای متخصص در حوزه مرتبط را به خدمت گیرند. بنابراین، نظارت تخصصی به صورت مجزا (بر اساس هدف) صورت می‌گیرد. این مدل در سال‌های اخیر طرفداران بسیاری را به خود جلب نموده به طوری که کشورهای بسیاری از جمله ایالات متحده برنامه‌ای بلندمدت برای تغییر نظام نظارتی خود و هم‌راستا کردن آن با این مدل اتخاذ نموده‌اند. انگلیس نیز یکی از کشورهای اصلی است که پس از بحران نظام نظارتی خود را دستخوش تغییر قرار داده و با انحلال^۱ FSA، این مدل را از سال ۲۰۱۳ اجرایی نموده است. (مصطفی‌پور، ۱۳۹۵)

مدل دورگه یا مبتنی بر وظیفه

برخلاف مدل نهادی که بر وضعیت قانونی شرکت‌ها متمن کر است، این مدل بر فعالیت‌های هر شرکت متمن کر است. بر این اساس، فعالیت شرکت است که تحت نظارت قرار می‌گیرد نه خود شرکت یا بنگاه اقتصادی. مزیت این روش آن است که در هر فعالیتی یک نهاد ناظر وجود دارد که فعالیت شرکت را مورد بررسی و نظارت قرار دهد. اما این مدل چالش‌های متعددی دارد. به عنوان مثال، مشخص کردن اینکه کدام فعالیت در حوزه اختیارات کدام نهاد ناظر قرار می‌گیرد، کار دشواری است. از دیگر چالش‌های این مدل آن است که با ابداع یک محصول مالی جدید، مشخص کردن تنظیم کننده آن بسیار دشوار خواهد بود. این محض در مشکلی که بین کمیسیون

1. Financial Services Authority

بورس و اوراق بهادار آمریکا^(۱) (SEC) و کمیسیون معاملات آتی‌های کالایی (CFTC) رخ داد قابل مشاهده است؛ به طوری که با ورود اوراق تاخت به خصوص تاخت نکول اعتباری به بازار (که در بازار خارج از بورس (OTC) مورد معامله قرار می‌گیرند) هیچ‌یک حاضر به تنظیم این اوراق نشده و تابحران مالی در سال‌های اخیر این اوراق تنظیم و نظارت نمی‌شدند.

از چالش‌های دیگر این مدل آن است که شرکت‌ها ملزم هستند با تنظیم گران متعددی سروکار داشته باشند. این امر کار را برای تعامل شرکت‌ها با نهادهای نظارتی مشکل ساخته است. علاوه بر این، شرکت‌ها ملزم‌مند تا گزارش‌های مشابه و متعددی به نهادهای نظارتی مختلف ارائه نمایند. از مسائل دیگری که در این حوزه مهم می‌نماید آن است که هیچ نهاد نظارتی اطلاعات کامل و کافی در خصوص کل فعالیت‌های شرکت در اختیار ندارد. چالش‌هایی که مطرح گردید برخی از چالش‌هایی است که در این مدل وجود دارد؛ لذا شاید بتوان اظهار داشت تنها کشوری که از این مدل استفاده می‌نماید، ایالات متحده است.

کارشناسان بر این عقیده‌اند که لازمه استفاده از این مدل هماهنگی و همکاری بسیار زیاد نهادهای نظارتی با یکدیگر است. در این مدل نهادهای نظارتی باید اطلاعات خود را با یکدیگر به اشتراک گذارند تا از انجام دوباره کاری جلوگیری شده و اطلاعات یکپارچه‌ای تولید گردد. نکته مهم این است که مدل‌های فوق‌الذکر مربوط به ساختار نظارتی کلان بازارهای مالی بوده که شامل بازار پول و سرمایه است ولیکن در این تحقیق سعی می‌شود که مدل‌های نظارت بر نهادهای مالی که عمدهاً در بازار سرمایه فعالیت دارند پرداخته شود از این‌رو یکی از مهم‌ترین مدل‌های نظارتی جهت نظارت بر نهادهای مالی مدل نظارت با رویکرد مبتنی بر ریسک است که به آن خواهیم پرداخت. (مصطفی‌پور، ۱۳۹۵)

-
1. Securities and Exchange Commission
 2. Commodity Futures Trading Commission
 3. Over-the-counter

معرفی مدل نظارت مبتنی بر ریسک و مدل مبتنی بر مقررات

نظارت مبتنی بر ریسک به یک رویکرد ساختاری که بر روی شناسایی ریسک‌های بالقوه که شرکت‌ها با آن مواجه می‌شوند و ارزیابی عوامل عملیاتی و مالی که برای کاهش این ریسک‌ها بکار بردۀ می‌شود، گفته می‌شود (IOPS, 2012).

در تعریفی دیگر به شناسایی، ارزیابی و نظارت بر نهادهای دارای مجوز کسب و کار از طریق بازرگانی حضوری^۱ و غیرحضوری^۲ و پیگیری شکایات و گزارش خودکار تخلفات گفته می‌شود بازرگانی حضوری capital markets report Tanzania, 2017). کلید نظارت مبتنی بر ریسک، شناسایی مشکلاتی که قرار است در آینده روی دهد و نه فقط نگاه به جایی که در گذشته اتفاق افتاده است. مقررات فعلی الزامات نظارتی گرچه لازم بوده ولیکن برای تهیه مستنداتی دال بر اینکه از ریسک‌ها جلوگیری شده یا زیر سطح رضایت‌رسیده کافی نیست. (نجفی، ۱۳۹۷). (IOSCO, 2009)

جدول ۴ مقایسه بین رویکرد نظارت مبتنی بر ریسک و نظارت سنتی (مبتنی بر مقررات)

رویکرد سنتی (مبتنی بر مقررات)	رویکرد مبتنی بر ریسک
آزمون مبتنی بر معاملات	فرآیند محور
ارزیابی در نقطه‌ای از زمان	ارزیابی مستمر
رویه‌های استاندارد	رویه بر اساس پروفایل ریسک
عملکرد تاریخی	شخص‌های آینده‌نگر
تمرکز روی اجتناب از ریسک	تمرکز روی کاهش ریسک

منبع: بانک توسعه بین‌المللی، ۲۰۰۶

رویکرد مبتنی بر ریسک موجب ترغیب نهادهای مالی جهت مدیریت ریسک‌شان می‌شود. نهاد ناظر باید بر اساس نتایج ارزیابی‌ها، قضاوت کند که کجا و چگونه کارهای نظارتی را اولویت‌بندی کند (IOSCO, 2009).

-
1. Onsite inspections
 2. Off site monitoring

اجزای اصلی نظارت مبتنی بر ریسک (مطابق اصول ایسکو)

همه نهادهای نظارتی سعی بر آن دارند تا ریسک‌های متعدد را شناسایی کنند ولیکن متغیرهای متعددی در خصوص نحوه اجرای نظارت وجود دارد ولیکن برخی از مهم‌ترین عوامل نظارت مبتنی بر ریسک که در حوزه جغرافیایی متعدد دیده شده است شامل موارد زیر می‌شود:

۱. معیار اخذ مجوز^۱
۲. قوانین دولتی
۳. مقررات سرمایه‌گذاری
۴. حسابرسی خارجی / بیمه / تضمین
۵. الزامات افشاء
۶. کفایت سرمایه
۷. شرایط انحلال یا تصفیه^۲
۸. تنبیهات

چارچوب مدیریت ریسک

در اکثر مدل‌های مبتنی بر ریسک، سازمان‌ها ملزم به حفظ حداقل چارچوب برای سیستم مدیریت ریسک می‌باشند. مانند:

- الف - حداقل الزامات ثبت
- ب - مدل‌های ریسک برای شناسایی، کمی‌سازی و کنترل ریسک
- ج - اندازه‌گیری نوسانات سبد سهام
- د - الزامات تست حساسیت
- ه - ارزیابی ریسک مدل

1 -Licensing Criteria

2 -Winding up provisions

و- بررسی کلیه ریسک‌ها در فواصل منظم

ز- معیارهای کاهش ریسک احتمالی

ح- سیستم کنترل داخلی

ط- الزامات امنیتی سیستم

ک- محرومگی اطلاعات

ل- نقش استقلال حسابرسان

م- رویه و فرهنگ پیروی از قانون (تطبیق)

آینده ریسک و تطبیق مقررات

در سال‌های اخیر شاهد رشد روزافزون پلتفرم‌های جدید مالی در تمامی حوزه‌ها از جمله پرداخت، وام‌دهی، تجارت، مدیریت مالی و موارد دیگر بوده‌ایم که بخش زیادی از این راه حل‌های نوآورانه توسط شرکت‌های نوین فناوری مالی (فین‌تک)^۱ ارائه می‌شوند. ظهور زیست‌بوم^۲ فین‌تک مدل‌های سنتی خدمات مالی اخیر را به‌طور جدی تحت تأثیر خود قرار داده است. تا آنجا که در حال حاضر راه کارهای ارائه شده توسط شرکت‌های فین‌تک از قبیل «آندک کاپیتال»^۳، «لندینگ کلاب»^۴، «موون»^۵ و «آی زتل»^۶ جایگزین برخی از خدمات سنتی بانکی شده و به بیهود توانایی‌های کسب و کارهای مشتریان منجر شده است.

علاوه بر این ظهور نسل جدیدی از شرکت‌های فین‌تک با عنوان «فناوری نظارتی (رگ تک)»^۷ بوده‌ایم. شرکت‌های فن‌آوری نظارتی از قابلیت‌های نوآورانه و پایدار فناوری و نیز دانش فنی در زمینه تطبیق مقررات، برای پاسخگویی به نیازهای نظارتی مؤسسات مالی استفاده می‌کنند،

-
1. Fintech: Financial Technology
 2. Ecosystem
 3. Ondeck Capital
 4. Lending Clup
 5. Moven
 6. Izettle
 7. Reg tech: regulator of technology

کار اصلی این شرکت‌ها خود کارسازی فرآیندهای دستی تطبیق مقررات، بهبود قابلیت‌های گزارش‌دهی در زمینه تطبیق مقررات، ارتقای کیفیت داده، فراهم ساختن داشبوردهای جامع داده‌ای و تجزیه و تحلیل نظاممند داده‌ها است.

صنعت خدمات مالی به سرعت در حال مواجهه با رشد ترجیحات مشتریان، رقابت با مدل‌های جدید در کسب و کار، مقررات پیچیده و بی‌ثانی اقتصاد کلان است. بر این اساس فناوری‌های جدید، فین‌تک‌ها و رگ‌تک‌ها موضوعات ارزشمندی هستند که بانک‌ها در بخش‌های ریسک و تطبیق مقررات خود در آینده به آن‌ها نیاز خواهند داشت. بر اساس مطالعه یک مؤسسه مشاوره مدیریت مالی آینده عملیات ریسک و تطبیق مقررات متأثر از روندهای زیر خواهد بود.

- گسترش ارتباطات از طریق اینترنت، تلفن همراه و رسانه‌های اجتماعی، به سرعت در حال تغییر ترجیحات مشتریان است. این موضوع مؤسسات مالی را مجبور خواهد کرد که در مورد اعتبارسنجی مشتریان جدید، به سرعت تصمیم‌گیری کنند.
- مقررات پیچیده و در حال تغییر مداوم، هزینه‌های سریار و بالاسری را افزایش می‌دهد و هم‌زمان باعث افزایش اتکاپ‌زیری کسب و کارها می‌شود.
- اعتماد به مؤسسات مالی کاهش می‌یابد.
- ارتقای رفتار و فرهنگ درست و حفاظت از مصرف کنندگان اهمیت پیدا می‌کند.
- رشد جهانی کاهش می‌یابد و بی‌ثانی در اقتصاد کلان رخ می‌دهد.
- انفجار اطلاعات و رشد فناوری جدید پیشامدی اجتناب ناپذیر خواهد بود. (حکمت، ۱۳۹۶)

عوامل مؤثر بر ریسک و بازده سرمایه‌گذاری در محصولات مالی و طبقات ریسک در بانک‌ها

عوامل مؤثر بر ریسک و بازده سرمایه‌گذاری در محصولات مالی به سه دسته کلی به شرح جدول شماره (۵) تقسیم می‌شود (ابزری، ۱۳۸۶).

جدول ۵ عوامل مؤثر بر ریسک و بازده سرمایه‌گذاری

عوامل غیراقتصادی	عوامل خرد	عوامل کلان
تمایل به ریسک	میزان تقاضا و کشش کالای تولیدی بنگاه	سیاست‌ها و خطی مشی‌های دولت
ادراک ریسک	سیاست‌ها و خطمشی‌های مدیریت شامل استراتژی‌های محافظه‌کارانه و استراتژی‌های جسورانه	عوامل فرهنگی و اجتماعی
نرخ بازده مورد انتظار	وضعیت صنعت	وضعیت صنعت
تجربه و دانش سرمایه‌گذاری	وضعيت مالی و حساب‌های شرکت	شرایط اقتصادی و دوره‌های تجاري و مالي
سرمایه‌گذاران		
بازده تاریخی و اطلاعات گذشته		

همچنین طبقات ریسک موجود در بانک‌ها به شرح جدول زیر است: (ون گرونیگ، ۲۰۲۰)

جدول ۶ طبقات ریسک بانکی

ریسک‌های مالی ^۴	ریسک‌های عملیاتی ^۳	ریسک‌های محیطی ^۲
ساختار ترازنامه	تقلب داخلی	ریسک‌های سیاسی و کشوری
ساختار سود و ریان	تقلب خارجی	رویه‌های اقتصاد کلان
کفایت سرمایه ^۵	ایمنی محل کار و شغل	ریسک‌های بنیادی بخش مالی
اعتباری	مشتریان، محصول و خدمات بنگاه	قانونی و مقررات گذاری
نقدینگی	آسیب‌دیدگی دارایی‌های فیزیکی	سرایت بحران‌های بانکی
بازار	ریسک تکنولوژی و خطاهای سیستمی ^۷	ریسک شهرت ^۶

- 1. Van Greuning
- 2. Environmental risks
- 3. Operational risks
- 4. Financial risks
- 5. Capital adequacy
- 6. Reputational risk
- 7. System failures

ادامه جدول ۶ طبقات ریسک بانکی

ریسک‌های مالی	ریسک‌های عملیاتی	ریسک‌های محیطی
نرخ بهره	ریسک فرآیندهای مدیریت	ریسک استراتژیک
نرخ ارز	ریسک بروندسپاری کارکردهای اساسی	ریسک پوششی ^۱
	رهبری بازار و کسبوکار	ریسک اعمال مجرمانه
	کیفیت اطلاعات	

منبع: بانک جهانی ۲۰۲۰

۳. پیشینه پژوهش

بر اساس تحقیقی که در دفتر تحقیقات و سیاست‌های پولی و بازرگانی معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی در سال ۱۳۹۵ توسط مصطفی بور و همکاران با عنوان «بررسی ساختار مقررات گذاری و نظارت بر بازارهای مالی و ارائه پیشنهادها» انجام شد، ضمن توجه به دلالت دولت‌ها در موقع شکست بازار از طریق مقررات گذاری، در یک تقسیم‌بندی، سیستم‌های نظارت بر بازارهای مالی را به چهار دسته نهادی، کارکردی، یکپارچه و دوقله‌ای تقسیم نموده و به کارگیری هریک از مدل‌ها را وابسته به ساختار و تحولات هر کشور دانست. همچنین نظارت بر بازارهای مالی در دو گروه کلی نظارت احتیاطی (شامل نظارت احتیاطی خرد و نظارت احتیاطی کلان) و هدایت کسبوکار (حمایت از مشتریان) تقسیم شده است. در ادامه به مطالعه تطبیقی مدل‌های نظارتی به کاررفته در کشورهایی نظیر آمریکا، انگلستان، کانادا، استرالیا، چین، فرانسه، اسپانیا، ژاپن، آلمان و هلند پرداخته و ضمن توجه به نقش بانک‌های مرکزی در اعمال نظارت به چالش‌ها و مشکلات موجود در نظام مقررات گذاری و نظارت مالی در ایران پرداخته است.

عطاطلب و نیاکان در تحقیقی که در سال ۱۳۹۸ با عنوان «ارزیابی و نظارت ریسک محور بر شرکت‌های بیمه» انجام دادند، فرآیند ارزیابی ریسک در شرکت‌های بیمه در نظام مبتنی بر ریسک و نحوه نظارت را معرفی کردند؛ یافته‌های حاصل از تحقیق ایشان بیانگر این است که توجه به اصول اساسی انجمن بین‌المللی ناظران بیمه، از جمله تهیه گزارش‌های مدیریت ریسک،

1. Money laundering risk

گزارش‌های اکچوثری و رتبه‌بندی شرکت‌های بیمه از الزامات پیاده‌سازی رویکرد مبتنی بر ریسک است.

نجفی و همکاران در تحقیقی با عنوان «ارائه الگوی نظارت بر نهادهای مالی در بازار سرمایه ایران با رویکرد مبتنی بر ریسک»، ضمن بررسی مبانی نظری، عوامل مؤثر بر موضوع نظارت در نهادهای مالی را به سه گروه اصلی، شامل شناسایی ریسک، ارزیابی ریسک و رویکرد نظارتی تقسیم کردند. نتایج تحقیق مذکور نشانگر این است که شناسایی ریسک رابطه مثبت و معنی‌داری با ارزیابی ریسک و رویکرد نظارتی دارد و ارزیابی ریسک و رویکرد نظارتی نیز رابطه مثبت و معنی‌داری با نتایج و خروجی نظارت دارد. از این رو عواملی چون شناسایی ریسک، ارزیابی ریسک و رویکرد نظارتی و نتایج و خروجی نظارت در نظارت بر نهادهای مالی اثرگذار است.

در تحقیق دیگری با عنوان «نظارت مبتنی بر ریسک در صنعت بیمه» توسط ماجد و نورالدینی که در سال ۱۳۹۲ انجام شده است ضمن توجه به تغییرات رخداده در صنعت بیمه و حرکت از سیستم‌های نظارت سنتی به نظارت رویکرد مبتنی بر ریسک، برای مدل نظارت مبتنی بر ریسک دو سطح معرفی شده است. اولین سطح تنظیمی (مقرراتی) است که پارامترهایی از جمله نیازهای سرمایه‌ای و مقررات مرتبط با حسابداری و ارزیابی دارایی‌ها و بدھی را شامل می‌شود؛ در سطح دوم به اقدامات نظارتی توسط نهاد ناظر پرداخته می‌شود و به ارزیابی اختصاصی ریسک‌های بیمه‌گرها و مدیریت ریسک توسط شرکت‌های بیمه تمرکز دارد.

بزدان پناه و خلیل زاده در تحقیق دیگری با عنوان «نظارت مبتنی بر ریسک در صنعت بیمه یک چارچوب مفهومی» در سال ۱۳۹۲ ضمن توجه به اهداف انجمن بین‌المللی ناظران بیمه در حمایت از حق و حقوق بیمه‌گذاران از طریق اعمال نظارت مؤثر، چارچوب نظارت مبتنی بر ریسک در صنعت بیمه را شامل مجموعه‌ای از اصول استانداردها و رهنمودهای تئوریک با موضوعات مرتبط به کفایت سرمایه، ماتریس ریسک و نردنban نظارت قلمداد نمود.

در پژوهش دیگری که توسط اداره نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری بانک مرکزی ج.ا.ا. در سال ۱۳۹۳، با عنوان «مدل نظارتی بانک مرکزی اسپانیا» ارائه شده است؛ فرآیندها، اهداف،

حدود ارزیابی ریسک‌ها و روش‌های متداول نظارتی آن بانک تبیین شده است. هدف بانک مرکزی اسپانیا از اعمال نظارت ارتقاء سلامت و ثبات مالی در شبکه بانکی عنوان شده است. مدل مورد استفاده به دنبال افزایش اثربخشی و کارایی کارکردهای نظارتی توسط بانک مرکزی از طریق تعریف سرمایه کافی در بانک‌ها، ارائه گزارش‌های دوره‌ای منظم و بهنگام، استقرار فرآیند نظارتی پویا با رویکرد پیشگیرانه جهت جلوگیری از بروز وضعیت‌های بحرانی است. هدف مدل نظارتی معرفی شده ترسیم دورنمای ریسک نظارتی با استفاده از تجزیه و تحلیل کمی و ارزیابی‌های کیفی اطلاعات عنوان شده است.

در تحقیق دیگری با عنوان «نظارت مبتنی بر ریسک در بانکداری اسلامی» که توسط بانک مرکزی عربستان سعودی صورت پذیرفت، عملکرد نظارت مبتنی بر ریسک در دو مؤلفه مقررات گذاری و فعالیت‌های نظارتی در بانک‌های اسلامی در قیاس با بانک‌های فعال مبتنی بر بانکداری متعارف مقایسه گردید. نتایج تحقیق انجام شده یبانگر این است که کلیه ریسک‌های متوجه بانک‌های با رویکرد متعارف متوجه بانک‌های اسلامی است و در بانکداری اسلامی علاوه بر ریسک‌های بانکداری متعارف ریسک‌های اضافی از جمله عدم انطباق شرعی عملکرد بانک، ریسک نرخ بازده و ریسک تجاری نیز در نظر گرفته شده و در محاسبات تعیین ریسک نهایی لحاظ می‌شود.

گرمی تامسون^۱ در تحقیقی که در سال ۲۰۰۸ با عنوان «نظارت مبتنی بر ریسک در صندوق‌های بازنشتستگی استرالیا» انجام شده، توسعه نظارت مبتنی بر ریسک در صندوق‌های بازنشتستگی در کشور استرالیا را مورد بررسی قرار داد. در این تحقیق، شروع رویکرد ریسک محور در صندوق‌های بازنشتستگی از سوی نهاد ناظر در سال ۱۹۹۰ ذکر شده است. در ادامه با هدف رتبه‌بندی صندوق‌های بازنشتستگی، یک مدل نظارت پیچیده مبتنی بر ریسک در سال ۱۹۹۲ معرفی گردید. برای ارائه مدل مذکور چهار دلیل عنوان شد:

1. Greme Thompson

۱. ایجاد یک ناظر یکپارچه با استفاده از تکنیک‌های موجود در صنایع بانکداری و بیمه با هدف بهبود عملکرد نظارت.

۲. ضرورت استفاده بهتر از منابع نظارتی موجود.

۳. ورشکستگی و بروز بحران در تعدادی از صندوق‌های بازنیستگی.

۴. وجود نگرانی در مورد ضعف‌های صنعت صندوق‌های بازنیستگی.

در نهایت، این پژوهش با توصیه به استفاده از تکنیک‌های رایج در صنعت بانکداری، در صندوق‌های بازنیستگی، از جمله شناسایی و ارزیابی ریسک، رعایت الزامات مدیریت ریسک، استفاده از سازوکارهای نظارت مذکور در صندوق‌های بازنیستگی را باعث ارتقاء اثربخشی نظارت در صندوق‌های بازنیستگی دانست.

در تحقیق دیگری با عنوان «مقررات گذاری و نظارت بانکی ده سال بعد از بحران مالی جهانی» توسط دنیز آنگینر^۱ و همکاران در سال ۲۰۱۹، خلاصه‌ای از آخرین بهروزرسانی بانک جهانی در خصوص الزامات مقررات گذاری و نظارت، مورد بحث قرار گرفته است. در تحقیق مذکور، پس از بحث در خصوص الزامات کفایت سرمایه در بانک‌ها به سرمایه گذاری بانک‌ها و انضباط بازار پرداخته شده است. بر اساس این مطالعه عنوان می‌شود که الزامات مربوط به کفایت سرمایه پس از وقوع بحران مالی جهانی افزایش یافته است، همچنین اعمال نظارت توسط نهاد ناظر در دوره پس از بحران مالی جهانی در قیاس با قبل افزایش یافته است که نشان از اهمیت مقوله نظارت و اثرگذاری آن در پیش‌گیری از بروز بحران است.

جوزف چارلس مومنی^۲ در سال ۲۰۰۶ در تحقیق خود به اثرات مدل نظارت با رویکرد مبتنی بر ریسک پذیرفته شده توسط بانک مرکزی کنیا و چالش‌های تجربه شده طی دوره اجرای آن پرداخته است. نتیجه تحقیق وی نشان داد که الگوی نظارت با رویکرد مبتنی بر ریسک از یک سو باعث کاهش در تعداد روزهای بازرگانی بانک‌های تجاری و تعداد کارکنان بازرگانی و از سوی

1. Deniz Anginer

2. Joseph Charles Momany

دیگر افزایش هزینه‌های آموزش نظارت شده است. درنهایت یافته‌های تحقیق نشانگر کاهش هزینه‌های دولت کنیا به واسطه اجرای الگوی مذکور است.

در تحقیق دیگری که توسط لیلیان چیت میسوی^۱ در مورد اثرات الگوی نظارت مبتنی بر ریسک پذیرفته شده توسط بازار سرمایه کنیا صورت پذیرفت، با استفاده از روش تحقیق توصیفی تأثیر مدل از جنبه‌های مختلفی از جمله پروفایل ریسک، حاکمیت شرکتی و بازرگانی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق حاکی از آن است که تعداد روز و کارکنان مورد نیاز برای بازرگانی با نظارت مبتنی بر ریسک همبستگی مثبت دارد.

۴. روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف یک تحقیق کاربردی محسوب می‌شود و با توجه به این موضوع که با داده‌های کیفی سروکار دارد در طبقه‌بندی تحقیقات کیفی قرار می‌گیرد. در این تحقیق با استفاده از نظریه داده بنیادی و از طریق جمع‌آوری سیستماتیک داده‌های تجربی و تجزیه و تحلیل آن‌ها، مفاهیم و مؤلفه‌های مربوط به مدل کشف و توسعه داده شد. در این راستا و به منظور اجرای مراحل نظریه داده بنیاد از طریق مصاحبه حضوری، ده نفر از خبرگان، صاحب‌نظران و مدیران ارشد حوزه بانکی (بانک مرکزی و شبکه بانکی) و اساتید دانشگاه انتخاب و با ایشان مصاحبه شد. انتخاب شرکت کنندگان در پژوهش، مبتنی بر برخورداری از تخصص لازم و علاقه‌مندی به شرکت در فرآیند مصاحبه صورت گرفت. در این ارتباط، اطلاعات جمعیت شناختی خبرگان و صاحب‌نظران شرکت کننده در مصاحبه به شرح جدول شماره (۴) زیر است (شايان ذكر است اساتيد و مدرسین دانشگاه مندرج در جدول زير هم زمان از مدیران بانک مرکزی مي باشند)؛ همچنین به منظور رعایت ویژگی‌های کیفی پژوهش از سه معیار قابل قبول بودن، تأیید پذیری و قابلیت اطمینان استفاده شد در مورد معیار قابل قبول بودن تأیید درستی یافته‌ها، رونوشت‌های مصاحبه و گزارش پژوهش برای تعدادی از شرکت کنندگان (۶ نفر) ارسال شده تا نظرات خود را در خصوص

1. Lilian Chebet Misoi

سؤالات مصاحبه بیان کنند. با توجه به نظرات این شرکت کنندگان، سوالات مورد بررسی و بازبینی نهایی قرار گرفت. به منظور تضمین قابلیت اطمینان یافته‌ها تلاش شد تا فرآیندها و تصمیم‌های مربوط به پژوهش به طور مستند و واضح در متن پژوهش تشریح شود. درنهایت، در مورد معیار تأثیرپذیری نتایج، یافته‌ها با پیشینه پژوهش مقایسه شد و با استفاده به بحث‌های نظری در تبیین آن‌ها اقدام شد.

جدول ۷. اطلاعات جمعیت شناختی خبرگان و صاحب‌نظران شرکت‌کننده در مصاحبه

تعداد	گروه‌ها	ویژگی
۱	۳۰ تا ۴۰ سال	سن
۲	۴۰ تا ۵۰ سال	
۷	بالای ۵۰ سال	
۲	مدیر ارشد شبکه بانکی	سابقه شغلی و حرفه
۲	مدیر ارشد بانک مرکزی	
۶	مدیر ارشد بانک مرکزی و شبکه بانکی	
۴	اساتید و مدرسین دانشگاه	
۷	دکتری	
۳	فوق لیسانس	تحصیلات
۱	۱۰ تا ۲۰ سال	
۳	۲۰ تا ۳۰ سال	
۶	بالای ۳۰ سال	
سابقه خدمت		

رویکرد حاکم بر نظریه داده بنیاد توسط کلیزر و استراوس^۱ (۱۹۶۵) مطرح شد و هدف آن تقویت مطالعات کیفی و ارائه راهکارهایی برای کاهش سیطره کمی گرایی متداول در علوم اجتماعی عنوان شد. استقراء، محور اصلی در نظریه پردازی داده‌بنیاد است، در این رویکرد تحلیل کیفی مقدم بر تحلیل کمی و تولید نظریه مقدم بر آزمون در نظر گرفته می‌شود. روش مذکور این فرست را ایجاد می‌کند که پدیده‌های پیچیده‌ای که توسط مدل‌های کمی قابل بررسی نیستند مورد مطالعه قرار گیرند. (خدابنده لو و همکاران، ۱۳۹۶)

1. Kliser and Straus

همچنین پاول^۱ می‌گوید: «نظریه داده بنیاد روشی است که نظریه‌ها، مفاهیم زمینه‌ها و قضايا را طی یک فرآیند منظم به جای استنتاج از پیش‌فرض‌های قبلی، سایر پژوهش‌ها یا چارچوب‌های نظری موجود، به طور مستقیم از داده‌ها کشف می‌کند». (نادری و همکاران، ۱۳۹۹) در نظریه داده‌بنیاد تحلیل داده‌هایی که به‌منظور تکوین نظریه گردآوری می‌شوند با استفاده از کدگذاری صورت می‌پذیرد مراحل کدگذاری در نظریه داده‌بنیاد شامل موارد زیر است:

- گام اول: کدگذاری باز
- گام دوم: کدگذاری محوری
- گام سوم: کدگذاری انتخابی

کدگذاری باز: این مرحله از نظریه داده‌بنیاد بلافصله بعد از اولین مصاحبه انجام می‌شود به عبارت دیگر محقق پس از هر مصاحبه شروع به یافتن مفاهیم و انتخاب برچسب‌های مناسب برای آنها و ترکیب مفاهیم مرتبط می‌شود (نادری و همکاران، ۱۳۹۹).

کدگذاری باز، فرآیندی تحلیلی است که طی آن مفاهیم مدنظر تحقیق و ویژگی‌ها و ابعاد مرتبط با آن مفاهیم از داده‌های موجود استخراج و طبقه‌بندی می‌شود (خدابنده‌لو و همکاران، ۱۳۹۶).

مطابق روند دورانی پژوهش کیفی، پژوهشگر پس از انجام هر مصاحبه، نسبت به تحلیل آن اقدام می‌کند و سپس با توجه به نتایج حاصله نمونه بعدی را با توجه به غنای اطلاعاتی مورد نظر انتخاب می‌کند (فرهنگی و همکاران، ۱۳۹۵).

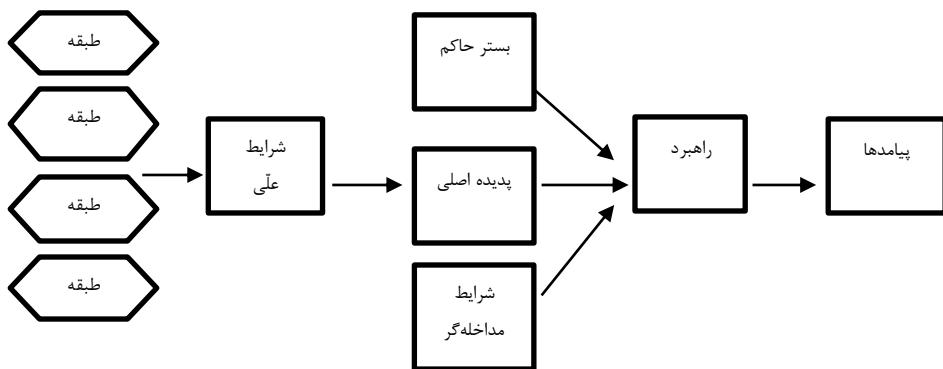
در تحقیق حاضر متن حاصل از پیاده‌سازی فایل‌های ضبط شده در مصاحبه‌ها به‌طور کامل مورد مطالعه مجدد قرار گرفته و مفاهیم کلیدی مرتبط با موضوع تحقیق، استخراج و نشانه‌گذاری شده است. فهرست مفاهیم استخراج شده در مرحله کدگذاری باز در بخش یافته‌های تحقیق ارائه شده است.

1. Pavel

کدگذاری محوری: در کدگذاری محوری پس از تبیین طبقه محوری، هر یک از مفاهیم استخراج شده در مرحله کدگذاری باز به طبقات خود ربط داده شدند و تبیین دقیق‌تر و کامل‌تری درباره پدیده ارائه می‌شود. همچنین در کدگذاری محوری دسته‌های اولیه که در کدگذاری باز تشکیل شده بودند با هم مقایسه و آن‌هایی که با هم شباهت داشتند حول محور مشترکی قرار گرفتند؛ پژوهشگر یکی از طبقه‌ها را به عنوان طبقه محوری انتخاب کرده و آن را پدیده محوری در مرکز فرآیند مورد پژوهش قرار می‌دهد و ارتباط سایر طبقه‌ها را با آن مشخص می‌کند. ارتباط سایر طبقه‌ها با طبقه محوری در پنج عنوان می‌تواند تحقق یابد.

۱. **شرایط علی:** این شرایط باعث شکل‌گیری پدیده یا طبقه محوری می‌شوند. این شرایط مجموعه‌ای از طبقه‌ها و ویژگی‌هایشان است که مقوله اصلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به نوعی توصیه‌کننده مقوله محوری هستند.
۲. **راهبردها:** بیانگر رفتارها، واقعیت‌ها و تعاملات هدف‌داری هستند که تحت تأثیر شرایط مداخله‌گر و شرایط زمینه‌ای هستند.
۳. **شرایط زمینه‌ای (بستر حاکم):** به شرایط خاصی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند بستر گفته می‌شود و تمیز آن‌ها از شرایط علی مشکل است. این شرایط را مجموعه‌ای از مفاهیم، طبقه‌ها، یا متغیرهای زمینه‌ای تشکیل می‌دهند. در مقابل شرایط علی، مجموعه‌ای از متغیرهای فعال وجود دارد. گاهی اوقات متغیرهای بسیار مرتبط را ذیل شرایط علی و متغیرهای با ارتباط کمتر را ذیل بستر حاکم طبقه‌بندی می‌کنند.
۴. **شرایط مداخله‌گر:** شرایطی هستند که راهبردها از آن‌ها متأثر می‌شوند، این شرایط را مجموعه‌ای از متغیرهای میانجی و واسط تشکیل می‌دهند. شرایط مداخله‌گر، شرایط ساختاری هستند که مداخله سایر عوامل را تسهیل یا محدود می‌کنند.
۵. **پیامدها:** برخی از طبقه‌ها بیانگر نتایج و پیامدهایی هستند که در اثر اتخاذ راهبردها به وجود می‌آیند.

در هر حال کدگذاری محوری که اصطلاحاً به آن پارادایم کدگذاری محوری گفته می‌شود توسط کورین و استراوس (۲۰۰۸) ارائه شده است و به این دلیل محوری گفته می‌شود که کدگذاری حول محور یک طبقه انجام می‌شود.



شکل ۱. مدل پارادایمی کدگذاری محوری

کدگذاری انتخابی: روند انتخاب مقوله و ارتباط منظم و سیستماتیک آن با سایر مقوله، اعتبار بخشیدن به روابط و پر کردن جاهای خالی با مقولاتی که نیاز به اصلاح و گسترش دارند را کدگذاری انتخابی می‌نامند.

همان‌گونه که عنوان شد جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل تمامی متخصصان بانکداری بوده و به عبارتی خبرگان مصاحبه‌شونده منابع تحقیق می‌باشند. نمونه‌گیری در این پژوهش نیز، نمونه‌گیری نظری است. نمونه‌گیری نظری نوعی نمونه‌گیری هدفمند (از نوع گلوله برفی)^۱ است که پژوهشگر سعی می‌کند با بهره‌گیری از نظرات و دانش آگاه‌ترین افراد درباره موضوع پژوهش، به واکاوی و موشکافی رویداد و پدیده موردنظر پردازد. به عبارت دیگر نوع نمونه‌گیری، تصادفی نیست بلکه تعمدی و قضاوتی است. در این شیوه تعداد نمونه‌ها از پیش مشخص نیست و افزودن به آن‌ها تا مرحله رسیدن به اشباع نظری ادامه خواهد یافت.

1 Snowball

۵. یافته‌های پژوهش

مطابق آنچه که در بخش روش‌شناسی پژوهش عنوان گردید. پس از مرور کامل متن مصاحبه‌های انجام شده با استاد و خبرگان علوم مالی و بانکی و انجام فرآیند کدگذاری باز، تعداد ۹۵ مفهوم استخراج شد. مفاهیم استخراج شده مورد بررسی مجدد قرار گرفت و سعی شد مفاهیمی که تا حدودی مشابه بودند ادغام شوند. در این مرحله پس از بررسی و ادغام مفاهیم استخراج شده، تعداد مفاهیم به ۶۱ مفهوم کاهش پیدا کرد. در ادامه مفاهیم استخراج شده در مرحله کدگذاری باز، مقوله‌های مرتبط و تعداد تکرار هریک از آن‌ها به شرح جدول زیر ارائه می‌شود:

جدول ۸. مفاهیم استخراج شده در کدگذاری باز و مقوله‌های مرتبط

ردیف	کد باز	مفاهیم اولیه (کدگذاری باز)	مقوله‌ها	فرآواني
۱۰۵	۱	ضرورت وضع قوانین کافی و مناسب	وضع قوانین و مقررات کافی و مناسب و ضمانت اجرایی قوانین قوانين و مقررات	۱۰۵
	۲	وجود مقررات متعدد		
	۳	وضع قوانین متعارض با نظارت مبتنی بر ریسک		
	۴	ضرورت امکان نظارت طبق قوانین		
	۵	ضعف نظارت در برخی از بانک‌های خاص		
	۶	وضع استانداردهای لازم‌اجرا توسط بانک‌ها		
	۷	وضع مقررات احتیاطی		
۱۰	۸	عدم کفايت نظارت تطبیقی	عدم کفايت نظارت	۱۰
	۹	گذشته‌نگر بودن نظارت در شرایط موجود		
۱۳	۱۰	گستردگی دامنه فعالیت بانک‌های دولتی	نقش مالکیت بانک‌ها (دولتی و خصوصی)	۱۳
	۱۱	تنوع و تغییر در مالکیت بانک‌ها		
	۱۲	ترکیب سهامداران بانک‌ها		
۱۱	۱۳	کمبود و تخصیص نامناسب منابع	نیازهای گستردگی اقتصاد و محدودیت منابع بانکی نامناسب منابع	۱۱
	۱۴	نیازهای گستردگی اقتصاد و محدودیت منابع بانکی		
۲۷	۱۵	اعمال نظارت مبتنی بر فناوری اطلاعات	فناوری اطلاعات	۲۷
	۱۶	استفاده از سامانه‌های اطلاعاتی		
۲۱	۱۷	گردآوری اطلاعات مناسب و گزارشگری	چارچوب پردازش و تحلیل اطلاعات	۲۱
	۱۸	چارچوب پردازش و تحلیل اطلاعات		

ادامه جدول ۸. مفاهیم استخراج شده در کدگذاری باز و مقوله‌های مرتبط

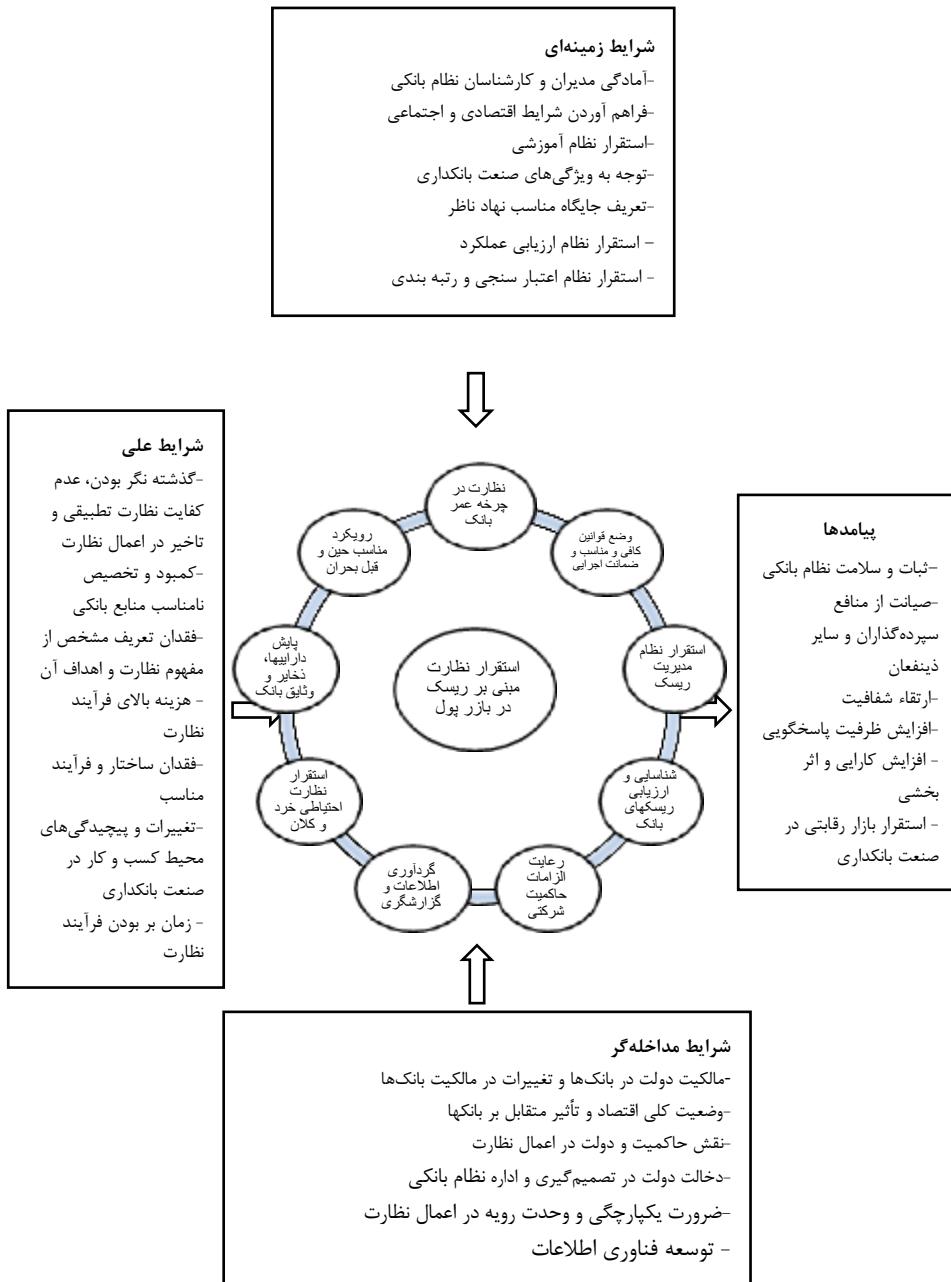
ردیف	کد باز	مفاهیم اولیه (کدگذاری باز)	مقوله‌ها	فرآواني
۳۷	۰۱۹	فقدان تعريف مشخص از نظارت و اهداف آن	فقدان تعريف مشخص از نظارت و اهداف آن	
	۰۲۰	فقدان فهم مشترک از نظارت		
۴۱	۰۲۱	فقدان ساختار مناسب جهت نظارت مؤثر	فقدان ساختار مناسب جهت نظارت مؤثر	
	۰۲۲	فقدان فرآیند مناسب جهت نظارت مؤثر		
۵	۰۲۳	تغییرات و پیچیدگی‌های محیط کسب‌وکار صنعت بانکداری	محیط کسب‌وکار بانک‌ها	
۵۶	۰۲۴	اهلیت مدیریت بانک‌ها	ویژگی خاص صنعت بانکداری	
	۰۲۵	وجود ساختارها و ویژگی‌های خاص بانک‌ها		
	۰۲۶	نقش سرمایه و ذخایر در صنعت بانکداری		
	۰۲۷	ترکیب مدیریت بانک‌ها		
	۰۲۸	ترکیب مناسب دارایی‌های بانک		
	۰۲۹	معاملات با اشخاص وابسته		
۵	۰۳۰	استقرار نظام آموزشی	آموزش	
۱۲	۰۳۱	آمادگی مدیران و کارشناسان نظام بانکی	بستر اجرای مدل	
	۰۳۲	فراهم آمدن شرایط اقتصادی و اجتماعی		
۱۰	۰۳۳	اعمال نظارت بر چرخه عمر بانک	نظارت در چرخه عمر	
	۰۳۴	پایش مستمر بانک		
۳	۰۳۵	استقرار نظام ارزیابی عملکرد	ارزیابی عملکرد	
۵۶	۰۳۶	تعریف رابطه مناسب بین مدیریت، مالکیت، مشتریان و نهاد ناظر	حاکمیت شرکتی	
	۰۳۷	وجود منابع انسانی مناسب		
	۰۳۸	نظام کنترل داخلی مناسب		
	۰۳۹	تعارض منافع گروه‌های ذینفع		
	۰۴۰	نقش حسابرسان داخلی و مستقل		
۷	۰۴۱	استقرار نظام اعتبارسنجی و رتبه‌بندی	اعتبارسنجی و رتبه‌بندی	

ادامه جدول ۹ مفاهیم استخراج شده در کدگذاری باز و مقوله‌های مرتبط

ردیف	کد باز	مفاهیم اولیه (کدگذاری باز)	مقوله‌ها	فرآینی
۱۷	۴۲	اعمال اقدام و اخطار پیشگیرانه	اتخاذ رویکرد مناسب قبیل و حین بحران	
	۴۳	اعمال اقدامات اصلاحی در مقطع بحرانی		
	۴۴	اعمال اقدامات تنیبیه		
۷	۴۵	نقش دولت در مقاطع بحرانی	نقش دولت و حاکمیت در اعمال نظارت	
	۴۶	توجه به نقش سایر بخش‌های حاکمیت		
	۴۷	دخالت دولت در نظارت مؤثر		
۱۴	۴۸	وضعیت کلی اقتصاد و تأثیر متقابل بر بانک‌ها	وضعیت کلی اقتصاد و تأثیر متقابل بر بانک‌ها	
۶	۴۹	دخالت دولت در تصمیم‌گیری و اداره بانک‌ها	دخالت دولت	
۳۶	۵۰	استقلال ناظر	تعريف جایگاه مناسب ناظر	
	۵۱	اختیار ناظر		
	۵۲	حمایت از ناظر		
۱۷	۵۳	ثبت و سلامت نظام بانکی	ثبت و سلامت نظام بانکی	
۱۰	۵۴	حمایت از منافع سپرده‌گذاران و ذینفعان	حمایت از منافع سپرده‌گذاران و سایر ذینفعان	
۲۷	۵۵	ارتقاء شفافیت	شفافیت	
۸	۵۶	افزایش ظرفیت پاسخگویی	پاسخگویی	
۵۳	۵۷	تعريف حدود ریسک	استقرار نظام مدیریت ریسک	
	۵۸	شناسایی ریسک		
	۵۹	سنجهش و ارزیابی ریسک		
	۶۰	نحوه مواجهه با ریسک		
۶	۶۱	یکپارچگی و وحدت رویه در اعمال نظارت	وحدت رویه	

منبع: یافه‌های پژوهش

پس از بررسی مفاهیم استخراج شده در مرحله کدگذاری باز، مقوله «استقرار نظارت مبتنی بر ریسک در بازار پول» به عنوان مقوله محوری در نظر گرفته شد و مطابق روش تشریح شده در بند روش‌شناسی پژوهش، کدگذاری محوری انجام پذیرفت. در این مرحله شرایط علی به عنوان عواملی که مقوله محوری را تحت تأثیر قرار می‌دهند در نظر گرفته شد و سپس شرایط مداخله گر و شرایط زمینه‌ای تعیین و بر اساس آن‌ها راهبرهای استقرار نظارت مبتنی بر ریسک در بازار پول ارائه شد و در ادامه پیامدها و برآوردهای حاصل از مدل معرفی شده تعریف گردید. همچنین پس از گردآوری مقالات و پژوهش‌های مرتبط با موضوع و مطالعه کتابخانه و مرور ادبیات تئوریک مرتبط با موضوع تحقیق از مراجع پژوهشی در دسترس برخی از مؤلفه‌ها در الگوی نهایی لحاظ گردید در نهایت مدل تصویری نظارت مبتنی بر ریسک در بازار پول به شرح زیر ارائه می‌شود:



شکل ۲ الگوی نظارت مبتنی بر ریسک در بازار پول

۶. روایی، پایایی، داده‌ها (قابلیت اعتماد تحقیق)

در این پژوهش برای بررسی روایی، یافته‌های پژوهش را برای مشارکت کنندگان ارائه و متن نظریه توسط آن‌ها مطالعه و دیدگاه‌های آن‌ها اعمال شده است. در پایان، این پژوهش توسط اساتید مورد مطالعه و بازبینی قرار گرفت و مواردی جهت اصلاح یا تغییر نظریه نهایی بیان شده است. یکی از راه‌های نشان دادن پایایی، مطالعه و بررسی فرآیند آن است. نتایج پایایی، زمانی قابل بررسی است که محقق دیگر بتواند مسیر تصمیم به کاررفته توسط محقق را در طول مصاحبه نشان دهد. بنابراین محقق، پایایی داده‌ها را از طریق نشان دادن مسیر تصمیمات خود و همچنین قرار دادن تمامی داده‌های خام، تحلیل شده، کدها، مقوله‌ها، فرآیند مطالعه، اهداف اولیه و سؤال‌ها در اختیار اساتید راهنمای و مشاور با حسابرسی دقیق صاحب‌نظران، درستی تمامی گام‌های تحقیق مورد تأیید قرار گرفت.

علاوه بر این در تحقیق کنونی از روش توافق درون موضوعی برای محاسبه پایایی مصاحبه‌های انجام گرفته استفاده شده است. برای محاسبه پایایی مصاحبه با روش توافق درون موضوعی از دو کدگذار (ارزیاب) دانشجوی مقطع دکتری مالی درخواست شد که به عنوان همکار پژوهش (کدگذار) در پژوهش مشارکت کنند. در هر کدام از مصاحبه‌ها، کدهایی که در نظر دو نفر مشابه هستند به عنوان «توافق» و کدهای غیرمشابه به عنوان «عدم توافق» مشخص شده‌اند. سپس محقق به همراه همکار پژوهش تعداد سه مصاحبه را کدگذاری کردند. درصد توافق درون موضوعی که به عنوان شاخص پایایی تحلیل به کار می‌رود (۶۰ درصد بالاتر) با استفاده از فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$\text{درصد توافق درون موضوعی} = \frac{\text{تعداد توافقات} \times ۲}{\text{تعداد کل کدها}} \times 100\%$$

-
1. Validity
 2. Reliability

در نهایت در این تحقیق از ارزیابی باز آزمون و روش توافق درون موضوعی برای محاسبه پایایی استفاده شده است.

نتایج حاصل از این کدگذاری به شرح جدول زیر است:

جدول ۹. ارزیابی باز آزمون و روش توافق درون موضوعی

ردیف	عنوان مصاحبه	تعداد کل داده‌ها	تعداد توافق‌ها	تعداد عدم توافق‌ها	پایایی باز آزمون
۱	اول	۴۶	۲۰	۶	%۸۶
۲	چهارم	۶۰	۲۴	۹	%۸۰
۳	هشتم	۵۷	۲۱	۷	%۷۴
		۱۶۳	۶۵	۲۲	%۷۹

منبع: یافته‌های پژوهشی

همان‌گونه که در جدول بالا نشان داده شده است تعداد کل کد‌های ثبت شده توسط هر دو نفر (محقق و فرد همکاری کننده) برابر ۱۶۳، تعداد کل توافق‌ها بین این کدها ۶۵ و تعداد کل عدم توافق بین این کدها ۲۲ است. پایایی بین دو کدگذار با استفاده از فرمول ذکر شده ۷۹ درصد است که از ۶۰ درصد بالاتر بوده و بنابراین سطح اعتماد در کدگذاری در سطح قابل قبول و مورد تأیید است.

۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

فقدان تعریف مشخص از مفهوم نظارت و اهداف آن باعث شده است ذینفعان و کنشگران حوزه بانکداری، انتظارات متفاوتی از مفهوم و حدود عملکرد و به تبع آن خروجی عملکرد سیستم نظارتی داشته باشند. این موضوع باعث ناهمانگی فی‌ماین سازمان نظارت شونده، نهاد ناظر و مراجع تصمیم‌گیری می‌شود. همچنین عدم کفایت وضعیت فعلی نظارت، به‌واسطه گذشته‌نگر بودن چارچوب نظارت موجود، رضایت از خروجی چارچوب فعلی نظارت را در سطح پایین قرار داده است؛ اتکا صرف به رویکرد نظارت تطبیقی و عدم توجه به مخاطرات آتی و پیش‌بینی آینده و نیز فقدان فرآیند و ساختار مناسب در اعمال نظارت، ضرورت نظارت مبتنی بر ریسک را ایجاب

می‌کند. علاوه بر این کمبود و تخصیص نامناسب منابع بانکی و نیز تغییرات گسترده و پیچیدگی‌های محیط کسب و کار در صنعت بانکداری، هزینه بالا در اعمال نظارت و زمان بر بودن آن، ضرورت استقرار مدل نظارت مبتنی بر ریسک را توجیه می‌کند. تحقیق پیش رو در پی ارائه الگوی نظارت مبتنی بر ریسک، راهبردهایی که از نظریه پردازی داده‌بنیاد تحت تأثیر شرایط مداخله‌گر و زمینه‌ای و نیز مرور ادبیات تحقیق شکل گرفته است ارائه می‌نماید. بر اساس یافته‌های تحقیق حاضر، مالکیت دولت در بانک‌ها و تغییرات در مالکیت بانک‌ها، تأثیر شرایط و وضعیت کلی اقتصاد، نقش حاکمیت و دولت در اعمال نظارت، دخالت دولت در تصمیم‌گیری و اداره نظام بانکی و ضرورت یکپارچگی و وحدت رویه در اعمال نظارت به عنوان شرایط مداخله‌گر بر راهبردهای الگوی نظارت مبتنی بر ریسک اثرگذار است. از سوی دیگر مواردی از قبیل آمادگی مدیران و کارشناسان نظام بانکی در پذیرش مدل، فراهم آوردن شرایط اقتصادی و اجتماعی به معنی ثبات در وضعیت اقتصادی بر اساس متغیرهای کلان اقتصادی، توجه به ویژگی‌های صنعت بانکداری به عنوان واسطه‌گری در تخصیص منابع مازاد برخی از بخش‌های اقتصادی به سایر بخش‌ها که نیازمند منابع مالی هستند و تعریف جایگاه مناسب نهاد ناظر به معنی تأمین استقلال نهاد ناظر و نیز دادن اختیارات کافی در اعمال نظارت می‌تواند به عنوان شرایط زمینه‌ای و بستر اجرای مدل قلمداد می‌گردد. تحت تأثیر شرایط علی، مداخله‌گر و زمینه‌ای مورد اشاره، راهبردهایی برای موقوفیت الگوی نظارت مبتنی بر ریسک ارائه گردید، شناسایی و ارزیابی اهم ریسک‌های موجود در صنعت بانکداری از جمله ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی، ریسک بازار و ریسک عملیاتی از نظر ساختار و شیوه‌های مدیریت ریسک، تحلیل‌های مربوط و تأثیر آن‌ها بر چشم‌انداز فعالیت‌های آتی هر بانک و نیز ارائه تحلیل‌های راهبردی در خصوص توزیع تسهیلات اعطایی، تعهدات، سرمایه‌گذاری در شرکت‌های وابسته و وضعیت ذخایر، دارایی‌ها و وثایق بانک و ارائه برنامه‌های احتیاطی در زمان تکانه‌های اقتصادی و یا بحران‌های احتمالی از جمله راهبردهای هر بانک است که در صورت پیگیری و اجرای مؤثر آن‌ها ضمن ارتقاء شفافیت و استقرار نظام

پاسخگویی در شبکه بانکی ثبات و سلامت نظام بانکی تأمین و از منافع سپرده‌گذاران به عنوان یکی از ارکان فعال در صنعت بانکداری صیانت خواهد شد.

۸. پیشنهادهای حاصل از یافته‌های تحقیق

۱. هرچند که در حال حاضر از ظرفیت احکام قوانین و الزامات مقررات و استانداردهای لازم‌الاجرا منطبق با نهادهای حرفه‌ای در حوزه نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به صورت کامل استفاده نمی‌شود لکن به واسطه وجود قوانین و مقررات متعدد و متعارض با الزامات و چارچوب‌های نظارت مبتنی بر ریسک و نیز ضعف در ضمانت اجرای قانون و مقررات اصلاح و تنقیح قوانین و مقررات ضروری است.
۲. موقیت در استقرار نظام نظارت مبتنی بر ریسک نیازمند توجه به مؤلفه‌هایی از جمله نظام کنترل داخلی مناسب، وجود منابع انسانی متخصص، توجه به نقش حسابرسان مستقل و داخلی و اهمیت تعارض منافع گروه‌های ذینفع از یک سو و تعریف رابطه مناسب بین مدیریت، مالکیت، مشتریان و بانک مرکزی به عنوان نهاد ناظر در قالب الزامات حاکمیت شرکتی در شبکه بانکی میسر می‌شود.
۳. به منظور نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری فعال در بازار پول با رویکرد ریسک محور، استقرار نظام مدیریت ریسک از جمله شامل تعریف ریسک و حدود آن و شناسایی ریسک‌های مرتبط با فعالیت‌های بانک‌ها، سنجش و ارزیابی ریسک، شدت و دوره مواجهه بانک با ریسک‌ها و نیز چگونگی و سازوکارهای برخورد با ریسک ضرورت دارد.
۴. به منظور موقیت نظام نظارت مبتنی بر ریسک، اعمال نظارت در چرخه عمر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری از مرحله پذیرش درخواست ایجاد، حین فعالیت تا مقطع انحلال و پس از آن به واسطه حساسیت صنعت بانکداری در چرخه اقتصاد و اتخاذ تصمیمات و اقدامات مناسب توسط نهاد ناظر از جمله شامل اخطار و اقدام پیشگیرانه به منظور پرهیز از تشدید موقعیت ریسکی و نیز اقدامات اصلاحی و یا تبیهی جهت عدم مواجهه با بحران در صنعت بانکداری الزامی است.

۵. هرچند که در سال‌های اخیر در حوزه استفاده از فن آوری اطلاعات در فعالیت‌های شبکه بانکی و به تبع آن اعمال نظارت توسط نهاد ناظر اقدامات مناسبی صورت گرفته است، لکن پیگیری و توجه به این حوزه و استفاده از سامانه‌های اطلاعاتی به منظور گردآوری اطلاعات به هنگام و قابل اتکا و تجزیه و تحلیل و گزارشگری آن ضرورت دارد.
۶. استقرار نظام اعتبارسنجی و رتبه‌بندی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری از یک سو و تعریف چارچوب ارزیابی عملکرد در شبکه بانکی می‌تواند عامل مؤثر در موفقیت اجرای بهتر نظام نظارت مبتنی بر ریسک در نظام بانکی باشد.

منابع

- ابزری، مهدی، محمدی، سعید، تیموری، هادی (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر بر ریسک و بازده سرمایه‌گذاری در محصولات مالی. *فصلنامه روند*، ۱۷ (۵۴)، ۱۵۱-۱۲۳.
- بوستانی، رضا، صلوتی تبار، شیرین (۱۳۹۶). بررسی استقلال بانک مرکزی ایران از بعد مالی. *فصلنامه روند*، ۲۴ (۷۸)، ۱۰۸-۷۵.
- حکمت، سیاوش، محمدی قمی، سیده سحر (۱۳۹۶). ارائه چارچوبی برای بهبود عملکرد تطبیق مقررات در نظام بانکی به کمک فاوری نظارتی. *فصلنامه روند*، ۲۴ (۸۰)، ۸۰-۴۹.
- خدابنده‌لو، مهدی، کرمی، غلامرضا، تالانه، عبدالرضا (۱۳۹۶). تدوین مدل گزارشگری سرمایه انسانی در حسابداری. *فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۶ (۲۳)، ۷۷-۶۳.
- خوشبخت، آمنه (۱۳۹۷). ارزیابی ثبات شبکه بانکی ایران. *فصلنامه روند*، ۲۵ (۸۲)، ۷۸-۴۳.
- مهدوی، غدیر (۱۳۹۴). اصول ییمه و مدیریت ریسک (مفاهیم اساسی) در مدیریت ریسک و ییمه. *تهران: انتشارات ییمه مرکزی ایران*.
- سیف، ولی‌الله (۱۳۹۳). حاکمیت شرکتی در نظام بانکی ایران: چالش‌ها و انتظارات. *فصلنامه روند*، ۲۱ (۶۸)، ۵۲-۱۵.
- عطاطلب، فاطمه، نیakan، لیلی (۱۳۹۸). ارزیابی و نظارت ریسک محور بر شرکت‌های ییمه. *فصلنامه پژوهشنامه ییمه شماره ۳۴* (۴)، ۲۶۴-۲۳۶.
- فرهنگی، علی‌اکبر، سعیدآبادی، محمدرضا، آقایان، سمیه (۱۳۹۵). تسهیم دانش در شبکه‌های اجتماعی: ارائه مدل پارادایمی بر اساس نظریه گراند تئوری. *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۱۶ (۵۹)، ۱۸۴-۱۵۵.
- ماجد، وحید، نورالدینی، صدرالدین (۱۳۹۲). نظارت مبتنی بر ریسک در صنعت ییمه. *بیستمین همایش ملی و ششمین همایش بین‌المللی ییمه و توسعه*.
- مصطفی‌پور، منوچهر (۱۳۹۵). بررسی ساختار مقررات گذاری و نظارت بر بازارهای مالی و ارائه پیشنهادها برای ایران. *تعاونی اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی*.
- مطلبی، پرویز، قمصی گودرزی، علی (۱۳۹۳). مدل نظارتی بانک مرکزی اسپانیا. *اداره نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری*, بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

ملکی، منصور، چیت‌سازان، الهام (۱۳۹۵). مقررات مربوط به سیستم‌های داخلی و کنترل داخلی بانک‌ها در ترکیه. اداره مطالعات و مقررات بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. مهرابی، امیر حمزه و دیگران (۱۳۹۰). معرفی روش شناسی نظریه داده بنیاد برای تحقیقات اسلامی. نشریه مدیریت فرهنگ سازمانی ۹ (۲۳)، ۳۰-۵.

نادری، سمیه، بهرامی، شهاب، اسماعیلی، محسن (۱۳۹۹). ارائه مدل راه کارهای بهبود اثربخشی روش تدریس ورزش در مدارس ابتدایی ایران با رویکرد کرانند تئوری. نشریه پژوهش در ورزش تربیتی، ۸ (۲۰)، ۱۷۸-۱۵۹.

نجفی، روح الله، فلاح شمس، میرفیض، معدنچی زارع، مهدی (۱۳۹۷). ارائه الگوی نظارت بر نهادهای مالی در بازار سرمایه ایران با رویکرد مبتنی بر ریسک. نشریه بورس اوراق بهادار، ۱۱ (۴۳)، ۷۲-۲۳.

یزدان‌پناه، محمد، خلیل‌زاده، پدرام (۱۳۹۲). نظارت مبتنی بر ریسک در صنعت یمه یک چارچوب مفهومی. بیستمین همایش بین‌المللی یمه و توسعه، ۲۰.

Aikman, David, Haldane, Andrew G. and sujit Kapadia, (2013), Operationlising a Macroprudential Regime: Goals, Tools and open Issues, *Banco de Espana*.

Allan schott, Paul (2006), *Reference Guide to Anti-Money laundering and combating the Financing of Terrorism*, world Bank.

Al Mamun, M & Shahid Habib, R (2020). Risk-Based Supervision. *Islamic Financial Services Board*.

Anginer, D & Canbertay, A & Cull, R (2019). *Bank Regulation And Supervision Ten Years After The Global Financial Crisis, Development Research*, World Bank Group.

BIS (2012), Core principles for effective Banking supervision, Basel committee on Banking supervision core.

BIS (2011), Central Bank governance and financial stability.

Brunner, G (2008). *Risk-Based Supervision of Pension Funds*. *The International Bank For Reconstruction And Development*, The World Bank.

Dabija, Mieczystaw (2008), Monetary Causes of the Financial systems Instability vacow university of Economics, working Peper No9/KR/2/08/S/426.

- Evanis, Leone, A.M., Gill, M, and Hilbers. P (2000), *Macroprudential indicators of Financial systems soundness*. International Monetary fund Washington DC.
- Groupe of Thirty (2008). The structure of Financial supercision, Approaches and Challenges in a Global Marlet Place
- IMF (2015), United States: *Financial System Stability Assessment*, IMF Country Report. No. 15/170
- IMF (2016), Gernany: Financial System Stability Assessment, IMF Country Report. No.16/189
- IMF (2005), France: Financial Sector Assessment Program, IMF Country Report. No. 05/186
- IMF (2016), United State, Financial Sustem Stability Assessment, IMF Country Report. No. 15/170
- Misoi, L (2004). The Effectiveness Of Risk Based Supervision Model As Adopted By Kenyan Capital Market.
- Momanyi, J (2006). The Effectiveness of A Risk Based Supervision As Adopted By The Central Bank Of Kenya.
- Osinski, Jacek, Seael, Kathariane and Lex Hoogduin, (2013), Macro Prudential and Micro Prudential Policies: Toward Cohabitation, IMF.
- Risk-Based Supervision (2018). Practical Leadership &Technical Guidance From Toronto Center.
- Thompson, G (2008). Risk-Based Supervision Of Pension Funds In Australia. The World Bank Financial Systems Departments.
- Van Greaning, H & Bratanovic, S (2020). International Bank For Reconstruction And Development The World Bank.
- Venkatesha, V & NandKumar, A (2017). Rey tech: A Magical Entity From The Fintech Ecosystem.

فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی